

[Afghanistan Digital Library](#)

adl0610

<http://hdl.handle.net/2333.1/2333.1/8kpr639>



This is a PDF version of an item in New York University's Afghanistan Digital Library (<http://afghanistandl.nyu.edu/>). For more information about this item, copy and paste the "handle" URL above into a web browser.

When referring to or citing this item please use the "handle" URL and not this document or the URL from which you downloaded it.

All works presented on New York University's Afghanistan Digital Library website are, unless otherwise indicated, in the public domain. The images available on this website may be freely reproduced, distributed and transmitted by anyone for any purpose, commercial or non-commercial.

NYU Libraries, Digital Library Technical Services, dlts@nyu.edu

حربیہ
محمد علم علی بی
نومبرہ
۲



جغرافیای عمومی، ابتدائی
برای شاگردان مکاتب رشدیہ، عسکریہ، افغانستان

مؤلف :

قوماندان مکتب فنون حربیہ
ومدیر ومفتش عموم مکاتب عسکریہ

افغانستان

جنرال

السید محمود سامی

مطبعہ مکتب فنون حربیہ باارادہ سنیہ طبع کردید •

طبع اول

کابل — سنبلہ سنہ ۱۲۹۸ و ذی الحجہ سنہ ۱۳۳۷



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

(مختصر جغرافیای عمومی)

مقدمه

- س - علم جغرافیا از چه بحث میکند ؟
- ج - از روی زمین یعنی از دنیا و مافیها بحث میکند .
- س - مقصد از دانستن علم جغرافیا چیست ؟
- ج - هر انسان به دانستن همه تفرقات خانه خصوصی خود محتاج است . مثلاً :
دروازه داخل شدن و خارج شدن
و جای نشستن و کونه و بام و الحاصل هر کس
و گوشه خانه خود را و نیز در خانه کس
هم نشین خود را باید بداند .
طریق زندگانی خود را نماید .

دنیای خانه عمومی انسانان است . انسانا کر
 دنیارا نداند کویا انسانیت خود را نمیداند .
 پس ؛ انسان چنانچه بدانستن خانه
 خصوصی خود و هم نشین و همسایه خود
 محتاج است همچنان دانستن دنیا که خانه
 عمومی انسان است مع مناسباتیکه با هم نشین
 دارد از جمله لوازم انسانیت .

س - در سوال اول ذکر شده که جغرافیا از دنیا
 و مافیها بحث میکند . آیا مراد از دنیا و مافیها
 چیست ؟

ج - مراد اینست که : علم جغرافیا ؛ از کوه ها ،
 بچرها ، نهر ها ، کول ها یعنی طالابها
 و از جسامت دنیا و از نباتات دنیا و از
 دیگر ستاره ها و نیز از انسانها و حیوانات و از
 نباتات و الحاصل از هر چیز دنیا بحث میکنند .
 بنابراین علم جغرافیا از هر چیز که بحث میکنند
 همان چیز ؛ موسوم میشود .
 قسم جغرافیا چند قسم است ؟

ج - بسیار قسمهاست • مکر مشهور ترین آنها •
• است :

۱ - جغرافیای ریاضی ،

۲ - جغرافیای طبیعی ،

۳ - جغرافیای سیاسی ،

۴ - جغرافیای اقتصادی ،

۵ - جغرافیای عسکری •

س - جغرافیای ریاضی از چه بحث میکند ؟

ج - از شکل و جسامت و غیره دنیا و از مناسبات
آن با دیگر ستاره ها •

س - جغرافیای طبیعی از چه بحث میکند ؟

ج - از کافه عوارض طبیعی زمین ؛ یعنی
از جبال ، امحار ، انهار ، آبنها ، رأسها
و از کولها یعنی طالابها و غیره بحث میکند •

س - جغرافیای سیاسی از چه بحث میکند ؟

ج - از دولتها و از طرز اداره آنها و از شهرها
و قصبه ها بحث میکند •

س - جغرافیای اقتصادی از چه بحث میکند ؟

ج - از معادن زمین واز نباتات و حیوانات
یعنی از صنعت ، زراعت و تجارت بحث
میکنند .

س - جغرافیای عسکری از چه بحث میکنند ؟
ج - از وادیکه به تاریخ عسکری و فن حرب
تعلق دارد بحث میکنند .

اصطلاحات جغرافیه

س - جزیره چیست ؟
ج - پارچه زمین را گویند که هر طرف آن ؛ آب
باشد شکل ۱ .

س - جزائر مجتمعہ چیست ؟
ج - جزیره هائیکه در یکجای جمع شده باشند گویند
شکل ۱ .

س - شبه جزیره چیست ؟
ج - پارچه زمین را گویند که سه طرف آن آب

و يك طرف آن به خشك ؛ متصل باشد

شکل ۲ . ۰

س - برزخ چیست ؟

ج - پارچه زمین را کوبند که شبه جزیره را

به خشك ؛ متصل میکنند شکل ۳ . ۰

س - بوغاز چیست ؟

ج - آبهای تنگ که مابین دو قطعه زمین بوده

دو بحر را بهم متصل میسازند ؛ آنها را

(بوغاز) و یا (آبنا) گویند شکل ۴ . ۰

س - جدول و یا قنال چیست ؟

ج - بمضادره های منظم حفر نموده دو بحر و یا

دو نهر را متصل میسازند . آنها را (جدول)

و یا (قنال) گویند .

[جدولهای مذکور در اوروپا خصوصا

در المانیا ، بلجیقا ، فرانسه ، انگلتره

خیلی بسیار است .

در جدولهای مذکور ؛ سفینه ها یعنی

کشتی ها بشیرده: تینا لیبیا فینتختی توتی (۱۰۰)

ذراعت و تجارت؛ خیلی نافع اند!

۴- بودن و یارین صیت؛

۵- بعضا خنجر به اصل بگردانده نوک در پیکر

زنگ از ابرون و یارین گرفتند

۶- کور ز دریا خنجر صیت بگردانده

۷- بعضا بگردانده خنجر در دست پیکر در راه

گرفتند

۸- برسی صیت؛

۹- ضیق خلیج را گویند که در حین وزیدن باد

باد گشت زودتره کشتی در دریا با من میشود

(اصطلاحات جغرافیاء باب برسی فخر)

- ۱- میں صیت؟
- ۲- بعض جاہای زمین بطرت انسان بلند شده
پسند از اکتید و جمع زرا جیال گرند.
- ۳- جیال تسلسل جیت؟
- ۴- جبل ها مکرر با هم دیگر پیوست بوده استقامت
خط استقیم ریاضی و غیره قطار شده میاند.
- رنبار (جبال تسلسل) ریاض تسلسل جیال گرند
- ۵- برکان صیت؟
- ۶- بعضی میں جا بلند که در زمین آن
اتش می بر اید از اکتید و ریاضه
- اتش نشان گرند

س - لاو چیست ؟

ج - معدن ماده را کوبند که از تپه کوه آتش فشان

می براید شکل ۹

س - کوه آتش فشان ؛ دلیل چیست ؟

ج - دلیل اینکه دنیا عبارت از آتش بود والا آن نیز

بداخلش آتش میباشد .

س - دامن ، یماچ ، ذروه چیست ؟

ج - لب کوه را (دامن) ؛ و قدری بالاتر آن را

(یماچ) و نقطه بالاترین کوه را (ذروه) و یا

(تپه) کوبند .

س - تپه چیست ؟

ج - بلندیهای خرد خرد کوه مانند را کوبند .

س - سطح مائل چیست ؟

ج - زمین های نشیب را کوبند که میاه را یعنی آب

هارا و نهر ها را از یک طرف بدیگر طرف

میریزانند . بزبان فرانس (وه رسان)

س - خط تقسیم میاه چیست ؟

ج - آن خطهای کوه را کوبند که آب باران را

۱۰

دو طرفه تقسیم میکنند .

س - در بند چیست ؟

ج - آن جاهای تنگ را گویند که مابین دو کوه

ویا مابین کوه ونهر ویابحر ویاکول ؛ محصور
باشد .

س - اووه چیست ؟

ج - زمین های هموار را گویند که جاهای سبز

و درخت و ده و قصبه و مسجد داشته باشد

شکل ۱۰ .

[ده و شهرها را در اووه ها و زیاده تر

بکنار بحر ویانهرها آباد میکنند] .

س - یابلا چیست ؟

ج - اووه های بلند را گویند شکل ۱۱ .

س - چول و صحرا چیست ؟

ج - چنین دشتهای را گویند که از آب و سبزه و

مخروم و گرمی آن بسیار باشد . ویاز شدت

سرما آبش منجمد باشد .

مثلا : در افریقا صحرای کبیر ؛ و در آسیا

- در چین ؛ دشت غوبی و سبریا •
- س - واح چیست ؟
- ج - در دشتهای بعضی چین جاها میباشد که سبزه و آب و گیاه داشته میباشد •

اصطلاحات میاه

- س - وادی چیست ؟
- ج - جاهای تنگ که مابین دو سلسله جبال •
محصور باشد (وادی) ویا (دره) گویند •
- س - جمودیه چیست ؟
- ج - بعضاً میاه وادیها از شدت سرما منجمد میشود
آنها را (جمودیه) مینامند شکل ۸ •
- س - دره چیست ؟
- ج - بارانهاش که بر جاهای بلند می افتد به داخل
وادیها میرسد • و در وادیهای مذکور •
آبهای مخالف یعنی خرد و کلان و غیره •

به جریان ؛ آغاز میکند ، خرد آنها را
(دره) بینامند .

س - رود چیست ؟

ج - رود آنست که از چند دره پیدامیشود .

س - نهر چیست ؟

ج - از اجتماع دره ها و رود ها پیدامیشود .

شکل ۱۲ .

س - [آب دره ها به رود ها ؛ و آب رود ها

به نهر ها ؛ و آب نهر ها به بحر ها می ریزد !] .

س - منبع نهر چیست ؟

ج - آن جای را گویند که نهر از آنجا شروع میکند .

س - منصب نهر چیست ؟

ج - آب نهر ؛ دو آخر به آب نهر ؛ ملاقی

میشود . محل تلاقی مذکور را (منصب نهر)

میگویند . شکل ۱۲ .

س - ملقا چیست ؟

ج - محل تلاقی آب دو نهر و یا رود و یا دره را

گویند .

۲- مجرای صیت ؛

۵- ظرف نهر را کوئید که آب نهر در آن جاری است
میکنند.

۴- جریان صیت ؛

۵- روان شدن در را که بتد

۶- دلتا صیت ؛

۷- نهرها لقا در صد منصب رهنما به شاخها

تقسیم شده بچند بهر میزنند جزیره های بزرگ

مابین شاخهای مذکور پدید آید (دلتا)

نامیده میگردند

۳- اصل صیت ؛

۵- کناره پناه جاریه را اصل گویند

۴- شیب بابت در اصل بسیار یک نهر کدر است

۶- بر پناه روی خود را بطرف منصب نهر بگرم بطرف روست

اصل یعنی در طرف صیت اصل بسیار است

۴- پر گاه بد شهر، صل یب نبرد و فتح شد

کندیم یکی را بالا دکلم یکی را پایان گویند

۵- هر شهر که طرف بنج نزدیک است بالا در دیگر را

بیان گویند

۴- پر گاه یک سینه تابع جریان بجم روان بند

کفته بشود که سینه بالا برود و پایان برود

۵- پایان برود و سینه بالا برود

۴- حوضه جیت

۵- آن که از افنی را گویند که در آن یک نبرد و شحات آن

(جوی، دره، رود، دره) جاری است

حوضه قزل درین

۴- نظام جیت

۵- که گویند است

۳- با اصطلاح جغرافیا به هر معنی می آید

۴- تپه های متصل در میان خلد دریا

یا بلا حاد را آورده ها بلند که حوضه را از هم دیگر

جدانگینه (رنگان) نامیده می شود

۵- سیل میت!

۶- آبیست که زیر باران دریا از آب شدن یرف

دخ حال گردیده به کثرت و شدت جاری

بلند

در تپه های بلند

در تپه ها آورده ها بلند که نشان

این که در آنجا از سال بدتر سال نژاد

می تواند دریا کند و حوضه می شود

۴- پنج بیاض چیست؟
 ۵- د ب برف دیاباران بد اقل خاک درامه در طبقاً
 تیر قابل نفوذ جمع میشود د بده یک منفذ پیدا کرده
 ظاهر جاری میشود از آنجا که تیر

۴- فزاده چیست؟
 ۵- ریهایی که بر رویان فرق بد اقل تراب درامه جمع میشود
 ریهایی مذکور بر طبق لثقلت و تضیق از آنجا که سطح زمین
 بلند می شود از آن فزاده گرفته

۴- تاینق چیست؟
 ۵- بجزه حاصلت که بیخ های سطحی پیدا میشود
 ۶- پهن فضا تب و یا پهنای چیست؟
 ۷- آن پهن را تیرت که تایت جلی در سطح زمین جاری
 میشود و بعد از آن تیرت که باز از زمین تایت
 میشود از آنجا که تیرت

۴- عن مباح صبت
۵- آن بعد از فریاد اگر تپد که مابین قعر آب و سطح آب است

۶- عرض مباح صبت

۷- بمبارت ز زمانه انقیات که مابین دو سال

مقابل باشد

۸- طوطی نماند

۹- و پها طغیان نموده سواصل را زیر میسازد

از اگر تپد

(بجزه صابونی که گویا)

۴- بجزه صبت
۵- با صابون بجزه صبت که چار مرتب آن خنک کرده

ز آب بر باشد از در می در بجزه

در بجزه صبت که تپد در خاریه طالب که تپد

۴- مخدر صفت؟

۵- بجهدهای خود را به عربی و خدیر نام کنند

۴- قابلمه صفت؟

۵- در درانی بر کمانه معصوم بنوع عالی آب گرم بیاورد

و از قابلمه کوبیده حوضه های بزرگه لذت آب گرم

بیدار کند از خواب ترک قابلمه کوبیده

۴- صرازخ

۴- رزغم صفت؟

۵- خدیر ها بزرگ آب آن بیدو پیتا دراز کوبیده

۴- هوای جانا های مرزوم خط در

۵- بسیار بیدار است چرا که مرزومه ها کمان

تب درازه در رزغم از رزغم است

۴- ارض چیست ؟
 ۵- زمین را گویند
 ۶- ارض به چه شکل است ؟
 ۷- ارض کره یعنی مانند نارنج محصور است -
 ۸- آیا اگر همای زمین به جغرافیای زمین گردید
 زمین را خنل نمیدهد ؟
 ۹- نمی آید نسبت به جاست ارض هیچ اند
 چنانکه بیتی دیندی که به سطح نارنج است گردید
 نارنج در خنل نمیدهد هم چنان که همای بلند
 و جغرافیای همای زمین گردید ارض را در خنل
 نمیکند
 ۱۰- آیا کره ارض یک جا یکسره بوده است ؟
 ۱۱- کره ارض به پنج جا یکسره گردید : بیلکه با بیلکی
 چنانکه یک بارون در هوا بردار نمیدهد هم چنان که در گاما

یز محض به قدرت اللہ تعالیٰ در رضا بیلگا

۲- نفاذیت ؟

۵- حسین خانبگاہ عظیم نامحدود را که تندرگه در رضا

و رتتا به دهمه اجرام سماویہ ماہرین آن بیلگا

و به سیکه حد در پنا نذار (رضای نامتناهی)

و یا بعد عورتانیده بیون .

۳- ارش خودیہ ری کلان ؟

۵- بیار کلان ری .

۴- محب کزه در رضی قدر است ؟

۵- (۲۰۰۰۰) چهل هزار کیلو نره بیلگا .

۳- دنیا کلان سے زیبا کون کپ ؟

۶- دنیا خودترین ستاره ہا سے

۳- کزه ارش کلان سے ریارت نامب

۵- کزه ارش (۲۰۰۰۰) ایک بیون دیا رتتا

دنیہ از دنیا خود تر ہے

- س - کرهٔ ارض ؛ ضیا و حرارت از کجا میگیرد ؟
ج - در اثنای روز ؛ ضیا و حرارت را از آفتاب
میگیرد . و در اثنای شب ؛ ضیا یعنی روشنی
از قمر یعنی از مهتاب میگیرد .
س - قمر کلان است و یا کرهٔ ارض ؟
ج - کرهٔ ارض (۴۹) دفعه از قمر کلان است .

جهات

- س - جهت چیست ؟
ج - سمت را (جهت) و جمع آنرا (جهات)
میگویند .
س - اول باول چند جهت هست ؟
ج - (۴) جهت هست :
شرق ، غرب ، شمال ، جنوب .
س - شرق و غرب کدام جهات اند ؟
ج - جهتی که هر روز وقت صبح ؛ آفتاب از آنجا

می برآید آن جهت را (شرق) و وقت
نماز شام ؛ آفتاب در آنجا غائب میشود
آن جهت را (غرب) مینامند .

س - شمال و جنوب کدام جهات اند ؟

ج - هرگاه طرف راست خود را بشرق و چپ

خود را بغرب داده ایستاده شویم جهتی

که پیشروی ما میباشد آن جهت ؛ (شمال)

و پس پشت ما میباشد (جنوب) است .

س - همین (۴) جهت را چه میگویند ؟

ج - جهات اربعه اصلیه میگویند .

س - بدون جهات اربعه اصلیه آیا جهات دیگر

نیز هست یا نه ؟

ج - بلی هست ! مابین جهات اربعه اصلیه ؛

چهار جهت دیگر نیز فرض و تصور کرده

میشود که (جهات فرعیه) نامیده

میشوند .

س - اینها کدام اند ؟

ج - شرق شمالی : مابین شرق و شمال ؛

- شرق جنوبی : مابین شرق و جنوب ؛
غرب شمالی : مابین غرب و شمال ؛
غرب جنوبی : مابین غرب و جنوب .
س - مابین جهات اصلی و فرعی آیا جهات
دیگر جهت هست یا نه ؟
ج - بلی ! مابین آنها ۳ ؛ ۳ جهت دیگر نیز
فرض و تصور کرده میشود . که مجموع آنها
۲۴ جهت میشود . آنها را (جهات
مربکه) میگویند .
س - پس جهات اصلی و فرعی و مربکه ؛
چند جهت میباشند ؟
ج - ۳۲ جهت میباشند .
س - اگر شب باشد و یاد روز و قنبره
ابر باشد ؛ تعیین جهات ؛ چه طور
میباشد ؟
ج - بواسطه (پوصله) یعنی (قطب نما)
تعیین جهات کرده میشود .
س - در خريطة ها تعیین جهات اصلی چه

طور است ؟

ج - طرف بالای خریطه (شمال) و طرف
پایان آن (جنوب) و طرف راست
آن (شرق) و طرف چپ آن
(غرب) است .

دو اثر ارض

س - حرکت محوریه ؛ و محور ارض چیست ؟
ج - هرگاه يك سوزن دراز را ؛ از میانه يك
نارنج ؛ چنین بخلایم که نوک آن از نقطه مقابل
برآید . بیده هر دو نوک سوزن را گرفته
نارنج را با طرف سوزن دور بدهیم
همین دور خوردن نارنج را (حرکت
محوریه) و خود سوزن را (محور)
میگویند .

همچنان ؛ آن خط مستقیم خیالی که

از میانه کرهٔ ارض بگذرد و هر دو نهایت آن
به سطح ارض منتهی باشد آنرا
(محور ارض) میگویند .

س - مرکز ارض کدام است ؟

ج - نقطهٔ منتصف محور ارض را گویند .

س - قطب چیست ؟

ج - هر یکی از دو انجام محور ارض را (قطب)

و هر دو را (قطبین) میگویند . قطب

فوقانی را (قطب شمالی) و تحتانی را

(قطب جنوبی) مینامند .

س - قطب سما کدام است ؟

ج - هر گاه محور ارض را خیالاً از هر دو

جانب ؛ باستقامتش تمدید کنیم البته کرهٔ

سما را به ۲ جای ؛ قطع میکنند .

هر یکی از همین ۲ تقاطع را (قطب سمائی)

میگویند . یکی را (قطب شمالی سما) و

دیگر را (قطب جنوبی سما) مینامند .

س - خط استوا و یا دایرهٔ استوا چیست ؟

- ج - آن دایره را گویند که محیط آن از هر دو
قطب ارض ؛ به ابعاد متساویه بوده
دنیارا از کمر ؛ احاطه نموده باشد .
- س - خط استوا کره ارض را چه گونه تقسیم
نموده است ؟
- ج - به ۲ نصف تقسیم نموده است : نصف
کره شمالی ؛ و نصف کره جنوبی .
- س - این دایره را چرا دایره استوا مینامند ؟
- ج - چونکه شهر هائیکه بر این دایره هستند
شب و روز آنها متساوی میباشد .
- س - جاهای گرمترین دنیا کدام است ؟
- ج - محلهای خط استوا است .

❖ دوائر عرض و طول ❖

- س - دوائر چیست ؟
- ج - یعنی دایره ها .

س - دوائر عرض و یا دوائر متوازیه چیست ؟

ج - آن دوائر تصویری یعنی خیالی را گویند

که بخط استوا موازی باشند .

س - چرا دوائر عرض میگویند ؟

ج - چرا که عرض هر محل بواسطه آنها

تعیین کرده میشود .

س - دوائر عرض را چرا دوائر متوازیه نیز

میگویند ؟

ج - زیرا که به دایره استوا متوازی اند .

س - دوائر عرض چه فائده دارند ؟

ج - این فائده را دارند : که بواسطه آنها

بعد و مسافت دو مملکت و یا ۲ شهر را

از همدیگر ؛ و نیز گرمی و یا سردی آنها

را تعیین میکنیم .

س - و دوائر عرض چند تا است ؟

ج - (۱۸۰) است . (۹۰) از آنها

به طرف شمال خط استوا و (۹۰)

دیگر به طرف جنوب خط استوا میباشد .

س - آیا دوائر عرض بهم دیگر ؛ مساوی اند
یا نه ؟

ج - فی ؛ کلا نترین آنها دائرة استواست .
و بعد به طرف قطبها خرد شده میروند .
آخرین آنها در قطبها صفر میگردند .

س - برای تعیین کردن مسافتات و گرمی و
سردی مملکتها آیا کدام را از دوائر
عرض باید که مبدأ عرض ؛ اعتبار
کنیم یعنی بشماریم ؟

ج - خط استوارا .

س - دوائر نصف النهار و یا دوائر طول
کدام اند ؟

ج - آن دائرة است که از هر دو قطب ارض
میگذرند .

س - دوائر طول را چرا نصف النهار نیز
مینامند ؟

ج - شهرهاییکه بر يك دائرة طول میباشدند
نصف نهار آنها یعنی نصف روز آنها

بيك وقت ؛ واقع ميشود . لهذا
نصف النهار مينا مند .

س - دوائر نصف النهار را چرا دوائر طول
نيز مينا مند ؟

ج - چرا كه طول هر شهر بواسطه آنها
معين ميشود .

س - فائده دوائر نصف النهار چيست ؟

ج - مسافتيكه ما بين مملكتها و شهرهاست
بواسطه آنها تعيين كرده ميشود .

س - دوائر نصف النهار چند عدد است ؟

ج - (۳۶۰) عدد است . نصف آنها

يعني (۱۸۰) از آنها بطرف شرق

مبدأ طول است و ديگر نصف آنها بطرف

غرب مبدأ طول ميباشد .

س -- مبدأ طول چيست ؟

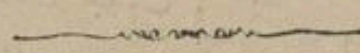
ج - براي تعيين مسافت ما بين شهرها و

مملكتها يكي از دوائر طول بايد كه مبدأ

شمرده شود آنرا (مبدأ طول)

• مینامند •

- س - دوائر نصف النهار و یا دوائر طول ؟
- کره ارض را چه گونه تقسیم نموده اند ؟
- ح - چنانکه خط استوا کره ارض را به دو نصف یعنی به نصف کره شمالی و نصف کره جنوبی تقسیم نموده است هکذا
- هر دایره نصف النهار نیز کره ارض را به ۲ نصف تقسیم کرده است : نصف کره شرقی و نصف کره غربی •
- س - در خریطه ها دوائر طول و عرض کدام اند ؟
- ح - خطهاییکه از شرق خریطه تا غرب آن کشیده میباشند دوائر عرض است • و خطهاییکه از شمال خریطه تا جنوب آن رفته است دوائر طول میباشد •



— عرض و طول جغرافی —

- س — عرض يك محل ؛ کدام است ؟
- ج — بعد آن محل از خط استوا .
- س — عرض يك محل چند نوع است ؟
- ج — ۲ نوع است : عرض شمالی ، عرض جنوبی .
- س — عرض شمالی و عرض جنوبی يك محل کدام است ؟
- ج — محل مذکور هر گاه در نصف کره شمالی باشد عرض آن ؛ عرض شمالی است .
و اگر در نصف کره جنوبی باشد عرض آن ؛ عرض جنوبیست . مثلاً : کابل ؛ چون در نصف کره شمالیست لهذا عرض آن ؛ عرض شمالیست .
- س — طول يك محل کدام است ؟
- ج — بعد آن محل از مبدأ طول .

۳۲

- س - طول يك محل چند نوع است ؟
- ج - ۲ نوع است : طول شرقی و طول غربی .
- س - طول شرقی و طول غربی يك محل ؟
کدام است ؟
- ج - محل مذکور هر گاه در شرق مبدأ طول
باشد طول آن محل ؛ طول شرقیست .
و اگر در غرب مبدأ طول باشد طول
محل مذکور ؛ طول غربیست .
- مثلاً : کابل ؛ چون در شرق
استانبول میباشد پس هر گاه نصف النهار
استانبول را مبدأ طول ؛ اعتبار کنیم
طول کابل ؛ طول شرقی شمرده میشود .

مدارها

- س - مدار چیست ؟
- ج - از جمله دوائر متوازیه ؛ دایره

میباشد ؛ ۲ در نصف کره شمالی و ۲

در نصف کره جنوبی . هریکی را

(مدار) مینامند .

س - کدام کدام اند ؟

ج - در نصف کره شمالی ؛ مدار سرطان و

مدار قطب شمالی .

و در نصف کره جنوبی ؛ مدار جدی

و مدار قطب جنوبی .

س - مدارهای مذکور از خط استوا چند

درجه دور میباشند ؟

ج - هریکی از مدار سرطان و مدار جدی ؛

۲۳ درجه و ۲۸ دقیقه از خط استوا

دور اند .

و هریکی از مدار قطب شمالی و مدار

قطب جنوبی ؛ ۶۶ درجه و ۳۲ دقیقه

دور میباشند .



مناطق

یعنی منطقه‌ها [۱]

س - منطقه چیست ؟

ج - سطح زمین را بواسطه مدارها بقرار ذیل
به ۵ پارچه تقسیم میکنند : هر یکی را
(منطقه) مینامند :

۱ - منطقه بارده شمالی :

(مابین قطب شمالی و مدار قطب شمالی)

۲ - منطقه معتدله شمالی :

(مابین مدار قطب شمالی و مدار سرطان)

منطقه حاره شمالی :

مابین مدار سرطان و خط استوا ،

منطقه حاره جنوبی : مابین

دائرة استوا و مدار جدی ،

۳ -

[۱] منطقه = کر بند .

۴ - منطقه معتدله جنوبی : مابین

مدار جدی و مدار قطب جنوبی ،

۵ - منطقه بارده جنوبی : مابین مدار

قطب جنوبی و قطب جنوبی .

[منطقه بارده ها را منطقه

منجمده نیز مینامند ؛ چرا که

در آنجا همیشه یخبندی میباشد]

س - هوای منطقه بارده و یا منطقه منجمده

چه طور است ؟

ج - فوق الحد ؛ سرد و دائماً به یخ ؛ مستور

میباشد . لهذا اکثر جاهای منطقه مذکور ؛

قابل سکونت نمیباشد .

س - هوای منطقه معتدله چه گونه است ؟

ج - نه بسیار گرم و نه خیلی سرد است .

لهذا منطقه مذکور بسیار معمور و لطیف

میباشد .

س - هوای منطقه حاره چه طور است ؟

ج - بسیار گرم میباشد . لهذا ۲ موسم

دارد : یکی گرم و یکی باران دار .

ح
ص

س - دایره خسوف کدام است ؟

ج - ارض حرکت سنویه خود را بر محیط

یک دایره اجرا میکنند آن دایره را

(دایره خسوف) و یا (مدار شمس)

گویند .

س - این دایره را چرا دایره خسوف و چرا

مدار شمس میگویند ؟

ج - چونکه خسوف در اینجا واقع میشود

لهذا (دایره خسوف) مینامند .

و نیز چونکه شمس ؛ حرکت ظاهریه

خود را بر همین دایره اجرا میدارد لهذا

(مدار شمس) میگویند .

س - دایره خسوف از دایره استوا چند درجه

مائل است ؟

ج - ۲۳ درجه و ۲۸ دقیقه مائل است .

لهذا در نصف کره شمالی ؛ به مدار

سرطان ؛ و در نصف کره جنوبی ؛

به مدار جدی ؛ منتهی یعنی مماس میباشد .

س - همین دو نقطه آنها را چه مینامند ؟
ج - نقطه انتهای شمالی را (انقلاب صیفی)
و نقطه انتهای جنوبی را (انقلاب شتوی)
مینامند .

س - دایره خسوف ؛ دایره استه را به چند
نقطه قطع میکند . و آن نقطه ها را چه
مینامند ؟

ج - به ۲ نقطه : یکی را (اعتدال ربیعی)
و دیگری را (اعتدال خریفی) مینامند .
س - افق چیست ؟

ج - اگر در یک بحر عظیم و یا در یک دشت
بسیار واسع بوده به گردا گرد خود
نظر اندازیم بحر و آسمان و یا دشت و
آسمان را بشکل دایره بهم ملاقا می
بینیم . آن دایره را (دایره افق)
و یا (افق) مینامند . و اگر جای خود را
بدل کنیم افق دیگر می بینیم . و مگذا
هر چند که محل خود را بدل کرده برویم

افق های متوالی دیده میرویم . اینست
متوالی بودن افق ها دلیل علمی و نخستین
بر اینکه ارض : مدور یعنی کره
است !

س -- منطقه البروج چیست ؟

ج -- ۲ جانب مدار شمس : ۲ دائرة هست .
هر یکی ۸ درجه از مدار شمس : دور
میباشد . آن پارچه سطح زمین که
مابین همین دو دائرة : محصور میباشد
(منطقه البروج) نامیده میشود .

س -- این را چرا منطقه البروج مینامند ؟

ج -- چرا که ۱۲ برج از بروج سماویه یعنی حمل ،
نور والنخ در همین منطقه میباشد .

س -- برج چیست ؟

ج -- يك چند كوكب یعنی چند ستاره در يك

جای : مجتمع بوده يك شكل : تشكيل

میکنند . هبت مجموعه آن شكل را

(برج) و جمع آن را (بروج) مینامند .

حرکات ارض

- س - آیا ارض حرکت میکند یا شمس ؟
- ج - ارض حرکت میکند . اما چونکه خود ما در ارض میباشیم حرکت ارض را حس ناکرده ارض را ثابت و شمس را متحرک می بینیم !
- س - چرا این طور می بینیم ؟
- ج - چنانکه کسی در چیز تیز رفتار مانند اوتوموبیل یعنی موتر و غیره بنشیند خود را ساکن می بیند و درختان و کردها و غیره اشبا را بعکس حرکت خود همه را در حرکت می بیند . همچنان خود ما چونکه در ارض میباشیم ارض اگرچه در حقیقت مانند همان موتر متحرک است اورا ساکن

۴۰

وشمس اگرچه در حقیقت ؛ مانند همان
درختان و غیره ؛ ثابت است اورا متحرک
می بینیم .

بسم الله الرحمن الرحيم

[وترى الجبال تحسبها جامدة وهى تمر مر السحاب !]

س - ارض چند حرکت دارد ؟

ج - ۲ حرکت دارد : (حرکت محوریه)

و (حرکت استقالبه) .

س - حرکت محوریه چیست ؟

ج - ارض بر محور خود از غرب ؛ بشرق

مانند چرخك دوره زده حرکت میکند

آن حرکت را (حرکت محوریه) گویند .

س - از حرکت محوریه چه حاصل میشود ؟

ج - شب و روز حاصل میشود .

- س - کیفیت شب و روز را بیان کنید ؟
- ج - وقتی که ارض بر محور خود حرکت میکند هر آن مملکت که پیشروی آفتاب می آید چون در آنجا روشنی آفتاب میباشد آنجا را (روز) ؛ و جانب مقابل آن که تاریک میباشد آن را (شب) میگویند .
- س - ارض برای اینکه بر محور خود یک دوره بگردد چه قدر زمان میگذرد ؟
- ج - ۲۴ ساعت یعنی یک بوم میگذرد . لهذا حرکت محوری مذکور را (حرکت یومیه) میگویند .
- س - حرکت انتقالیه چیست ؟
- ج - ارض ؛ بدون حرکت محوری ؛ یک حرکت دیگر به گردا گرد شمس نیز دارد . این حرکت را (حرکت انتقالیه) میگویند .
- س - ارض ؛ برای اینکه به گردا گرد شمس یکبار دور کند چه قدر زمان میگذرد ؟

ج - ۳۶۵ روز و ۵ ساعت و ۴۸ دقیقه
و ۴۸ ثانیه میگذرد که عبارت از یک
سال است .

س - لهذا این حرکت انتقالیه را دیگر
چه مینامند ؟

ج - (حرکت سنویه) نیز مینامند .

س - از حرکت سنویه ارض چه حاصل میشود ؟

ج - مواسم اربعه یعنی فصول اربعه ذیل حاصل
میشود :

۱ - ربیع یعنی بهار .

۲ - صیف یعنی تابستان ،

۳ - خریف یعنی تیرماه ،

۴ - شتاء یعنی زمستان .

س - شمس : بجز حرکت ظاهریه در مدت یکسال
از چند برج میگذرد ؟

ج - از ۱۲ برج میگذرد .

س - هر برج را بچند مدت قطع میکند ؟

ج - مدت ۱ ماه قطع میکنند .

ص - لهذا يك سنه شمسی چند ماه است ؟

ج - ۱۲ ماه است .

ص - هرماه بنام چه یاد میشود ؟

ج - بنام يك برج یاد میشود .

ص - همین ۱۲ برج ؛ کدام اند ؟

فصل بهار	} ج -	حمل	نور	جوزا
فصل تابستان		سرطان	اسد	سنبله
فصل خریف		میزان	عقرب	قوس
فصل زمستان		جدی	دلو	حوت

ص - خط استوا و مدار سرطان و مدار جدی ؛ در کدام زمان ؛ رو بروی آفتاب می آیند ؟

ج - خط استوا در اول حمل و در اول میزان ؛ رو بروی آفتاب می آید . و مدار سرطان در سرطان و مدار جدی در جدی ؛ مقابل آفتاب ؛ می آیند .

ص - و تئبکه خط استوا و مدارین ؛ رو

۴۴

- بروی آفتاب می آیند اشعه شمسیه ؛
یعنی ضیای شمس بر همین مدارها بکدام
وضعت یعنی بکدام میل می آید ؟
ج - عموداً می آید .

شمس

- ص - شمس چیست ؟
ج - شمس ؛ مانند ارض ؛ يك کره و هر
طرفش آتش است . یعنی عبارت از يك
کره آتش است .
ص - شمس ؛ بکجا مستند است ؟
ج - هیچ جای مستند نیست ؛ مثل ارض در
فضا بقدرت خداوند تعالی معلق میباشد .
ص - آیا شمس ؛ حرکت دارد ؟
ج - شمس ؛ يك حرکت محوری دارد .
ص - شمس ؛ برای ارض چه نفع دارد ؟

۵- نقوش این اس که بزین قیاد مرادے چیدر
 ۶- ریاستیں نبودیم بیوہ ! جیہا
 ۷- پرکز رزیدتند در ایالتک پیوز و حدتتلی از
 نعت سر باغ مکرت و حیات نقطع میتد
 زیرا حیات به مرادے نیر اس مرادے کریتد
 حیات نیز قیادت

۸- کره در فن از نس جقد لودر سے !
 ۹- ۱۱۶۹ ملین کیلویرہ در اس
 ۱۰- قیادتیں همین مساندر را به فیدر و قطع
 ۱۱- دقیقہ قطع میتد



بایستد که در این اس که بزین قیاد مرادے چیدر

۴۶

عقبات و اسباب قوی در بیان استحقاق

۴- قریب به ...

۵- مانند ...

۶- آبا در ...

۷- قدر زکوة در ...

۸- قمر زکوة ...

۹- اگر ...

شود به قمر برسد

۱۰- قمر نزد خدا ...

۱۱- از ...

۱۲- آبا قمر ...

۱۳- بی حرکت ...

حرکت عریض

۱۴- حرکت ...

۱۵- قمر بلا ...

۵- ۷۷ بند در ۷ کس ۴۲ دقیقه
 ۶- تمرینات در مقام خرداد که در آن زمان میگذرد

۱- در وقت
 ۲- به کردار در وقت میگذرد
 ۳- بند اتمر را چه میمانند؟

۴- یکی در وقت اینی طابع در وقت میمانند
 ۵- تمرینات در وقت یک بار به در وقت در وقت
 ۶- یک بار در وقت چند زمان میگذرد؟

۷- ۷۷ بند ۷ کس ۴۲ دقیقه
 ۸- در وقت در مقام خرداد که در آن زمان میگذرد
 ۹- صفات تمرینات در وقت در وقت در وقت
 ۱۰- صفات تمرینات در وقت!

۱۱- ۷۷ بند ۷ کس ۴۲ دقیقه
 ۱۲- تمرینات در وقت در وقت در وقت در وقت
 ۱۳- صفات تمرینات در وقت در وقت در وقت
 ۱۴- صفات تمرینات در وقت در وقت در وقت
 ۱۵- صفات تمرینات در وقت در وقت در وقت

۷۵
 ۱- به چه دلیل؟
 ۲- به چه دلیل در کتب معتبره است پیوسته همیشه به شکل طره
 یعنی همیشه بدر دیده میشود
 ۳- قرینه که باریک دیده میشود چه نایبه میشود؟

۴- بلال
 ۵- قرینه سبب باریک یعنی بلال دیده میشود
 ۶- به سبب که اکثر قسم نزدیک قرینه طرف مادیه
 میشود و دیگر به شکل نفق در راه دیده میشود و نام

درد در ربع نایبه میشود
 ۷- قرینه چند دفعه ربع دیده میشود
 ۸- در دفعه ربع دیده میشود. یکی در هفته اول
 یکی در هفته آخر همان ربع که در هفته

اول دیده میشود در ربع اول در آن ربع

که در هفته اول دیده میشود و در ربع آخر که در

در هفته آخر ماه واقع میشود (تریج
ثانی) نامیده میشود .

س - قر : در هفته اول و در هفته آخر ماه چرا
بشکل نصف دایره دیده میشود ؟

ج - بسبب آنکه نصف قسم نور دار قر
از جانب ارض دیده میشود .

س - قر : وقتی که دایره دیده شود چه نامیده
میشود و این کیفیت بچندم ماه واقع میشود ؟

ج - قر وقتی که دایره دیده میشود (بدر)
نامیده میشود . و این کیفیت بچهار دم
ماه واقع میشود .

س - قر از چه سبب : دایره یعنی بدر دیده
میشود ؟

ج - همیشه نصف قر که مقابل آفتاب است
مضی یعنی ضیا دار میباشد . همین قسم

مضی در چهاردم ماه : کاملاً از جانب ارض
دیده میشود و لهذا دایره دیده میشود .

س - ضره چیست ؟

ح - شروع ماه را یعنی هلال يك روزه را
(غره) میگویند .

س - سلخ چیست ؟

ح - آخر ماه را میگویند .

س - محاق چیست ؟

ح - شب آخرین ماه را گویند که قمر در
دران شب ؛ بالکل دیده نمیشود . محاق
عبارت از صفحه قمر است .

س - قمر ؛ در آخر ماه یعنی در محاق ؛ چرا
دیده نمیشود ؟

ح - چونکه قسم مظلم یعنی قسم تاریک قمر ؛

به جانب ارض است لهذا دیده نمی شود .

س - تا که ارض ؛ به کردا کرد شمس ؛

یک دفعه دور کنند قمر به دور ارض چند دفعه

دور میکنند ؟

ح - ۱۲ دفعه . و هر دفعه عبارت از يك ماه

است . لهذا يك سنه به ۱۲ ماه تقسیم

شده است .

- س - همین ۱۲ ماه را چه میگویند ؟
- ج - شهور قریه و یا شهر صریه .
- س - شهور قریه کدام اند ؟
- ج - محرم ، صفر ، ربیع الاول ، ربیع الثانی ، جمادی الاول ، جمادی الثانی ، رجب ، شعبان ، رمضان ، شوال ، ذی القعدة ، ذی الحججه .
- س - اینها را چرا شهور قریه میگویند ؟
- ج - چونکه بواسطه حرکت قمر حاصل میشوند .
- س - سنه که از شهور قریه مرکب باشد چه نام دارد ؟
- ج - سنه قریه نام دارد .
- س - هر یکی از شهور قریه چند روزه میباشد ؟
- ج - یکی سی و یکی بیست و نه روزه و هکذا میباشد .
- س - سابق گفته شده بود که شهور قریه از حرکت انتقالی قریه پیدا میشود .

و آن حرکت بمدت ۲۷ روز و ۷ ساعت
و ۴۳ دقیقه تمام میشود . لهذا میباشد که
هرماه بهمین مدت بوده باشد . پس این
اختلاف ؛ از چه پیدا شده ؟

ج - خیر ؛ هیچ اختلاف نیست ؛ اگر ارض
ثابت میباشد بی شک که قمر از محاذات یک
نقطه ارض که حرکت میکند بعد از مدت
۲۷ روز و ۷ ساعت و ۴۳ دقیقه باز
بهمان محاذات میرسد . و همین مدت را
یکماه گفته میشود . اما چونکه ارض نیز
حرکت میکند . لهذا قمر بعد از مدت
مذکور بمحاذات محل آن نقطه که میرسد
خود آن نقطه نیز از آن محل خود یک
مسافت دیگر قطع کرده میباشد . تا که
قمر بمحاذات آن نقطه برسد لازم که همین
مسافت را نیز بیک مدتی قطع کند .
مجموع این مدت با مدت اول تقریباً بیست و
نه و نیم روز میشود . بنابراین باید که

۵۳

مدت يك ماه ؛ عبارت از بيست و نه و نيم
روز باشد .

مگر چون ماه كسردار در حسابات
و معاملات ؛ باعث مشكلات و تشويش
ميباشد لهذا مجموع دو ماه كه نجاه و نه
روز بوده باشد يكي را سي و يكي را
بيست و نه بلا كسر اعتبار كر دهند .

[*] علاوه

س - سابق گفته شده بود كه قر از ارض ؛
بقدر (۳۰) كره ارض دور است . آيا از
ارض تا شمس ؛ بقدر چند كره ارض

[*] علاوه = استلاء علاوه يعنى سئوالهاى

علاوه چون در بحث ارض و

بحث شمس ؛ سهو شده بود

لهذا در نجا درج شد ؛

خواهد بود ؟

ج - (۱۱۶۵۰) کره ارض . یعنی اگر

تقریباً (۱۲۰۰۰) کره ارض ؛ پهلو

به پهلو چیده شود به آفتاب میرسیم .

س - هرگاه يك قطار سرعت (یعنی شمندوفر

ویا ریل) در ساعتی ۱۵۰ کیلومتره قطع

نموده بلافاصله یعنی شب و روز ؛ روان

باشد بعد از چند مدت به آفتاب میرسد ؟

ج - بعد از ۳۴۷ سال .

س - هرگاه مرمی يك توپ در تانیه (۱۵۰۰)

متره قطع کند بعد از چند مدت به کره

شمس میرسد ؟

ج - بعد از ۹ سال و ۹ ماه .

س - هرگاه مرکز شمس را به مرکز ارض ؛

منطبق فرض کنیم کره شمس چه قدر

جای میگیرد ؟

ج - محرك قمر ؛ کاملاً بداخل جرم شمس

می آید . و علاوه بران ؛ از محرك

مذکور الی محیط شمس ؛ بقدر ۲۵

قطر ارض يك مسافه دیگر میباشد !!

س - آیا ارض از آفتاب همیشه يك اندازه دور است ؟

ج - نی ؛ بعضاً دور و بعضاً نزدیک میباشد .

تفاوت هر دو بعد تقریباً ۴ میلیون کیلومتره است . یعنی محرك ارض به دور

شمس ؛ دائره نمیشد . بلکه به شکل

قطع ناقص است . و ارض ۱ پوره درمابین

نمیشد يك طرفه میباشد . نقطه دورترین

محرك مذکور از کره ارض را (اوج)

و نقطه نزدیک ترین را (حضیض) مینامند .

س - ارض در محرك سنوی خود بدور آفتاب

در ثانیه چه قدر مسافه قطع میکنند ؟

ج - در يك ثانیه ۳۰ کیلومتره قطع میکنند .

س - نصف قطر ارض چه قدر است ؟

ج - نصف قطر ارض بطرف خط استوا

عبارت از ۶۳۷۸ کیلومتره و از طرف

قطب عبارت از ۶۳۵۷ کیلومتره است .

س - مساحت سطح زمین یعنی سطح ارض
چند مربع است ؟

ج - (۵۱۰) مربع کیلومتره است .

(۳۶۵) مربع آن ؛ بحر یعنی آب

است و (۱۴۵) مربع آن ؛ خشک ؛

س - حجم ارض نظر به حجم آفتاب چه
قدر است ؟

ج - اگر حجم ارض را يك دانه كنندم فرض

كنيم حجم شمس (۱۳۰۰۰۰۰) دانه

كنندم ميشود . يعني اكر (۱۳۰۰۰۰۰۰)

عدد كره زمين را يکجا كنيم كره آفتاب

پیدا ميشود !

(خسوف و کسوف)

- س - خسوف و کسوف چیست ؟
- ج - گرفته کی قمر را (خسوف) و گرفته کی شمس را (کسوف) مینامند .
- س - سبب آن چیست ؟
- ج - چون ارض به دور شمس و قمر به دور ارض ؛ دور و حرکت میکنند لهذا بعضاً ارض مابین شمس و قمر ؛ و بعضاً قمر مابین ارض و شمس میباشد .
- درائتائیکه کره قمر ؛ مابین شمس و ارض میباشد کره قمر ؛ یک ظل مخروطی یعنی یک سایه مخروطی [۱] و نیز یک شبه ظل مخروطی یعنی یک سایه کمرنگ و مخروطی به سوی ارض می اندازد .

[۱] مخروط = شکل کله قند عبارت

از مخروط است !

نوك سایه مذکور اگر بیک نقطه کره
ارض برسد مخلوقیکه در آن نقطه است
شمس را بالکل دیده نمی توانند و لهذا در
نقطه مذکور (کسوف کلی) واقع شد
مینامند .

مگر چون هم ارض و هم قمر در
حرکت دائمه است بنابراین ؛ نقطه مذکور
زیاده تر از ۳ دقیقه و ۱۳ ثانیه بزیر
سایه مذکور نمیباشد . یعنی نقطه مذکور
بزودی از سایه مذکور خلاص شده دیگر
نقطه های متعاقب ارض ؛ پی در پی داخل
کسوف کلی میشوند .

س - کسوف جزئی چیست ؟

ج - وقتیکه شبه ظل مخروطی به کره ارض
میرسد . مخلوق کره ارض که داخل
شبه ظل هستند کره شمس را قسمی یعنی
یک جزو شمس را نمی بینند و لهذا برای
مخلوق مذکور (کسوف جزئی) واقع
شد میگویند .

- س - کسوف حلقه وی چیست ؟
- ج - رأس ظل مخروطی یعنی نوک سایه قمر بعضاً به کره ارض ؛ نمی رسد . لهذا مخلوق زمین که به استقامت رأس مذکور است مرکز قرص شمس را نمی بینند . چرا که کره قمر در میان است . مگر قمر نسبت به کره شمس ؛ چون خیلی ریزه تر است شمس را کاملاً پت کرده نمی تواند . و لهذا دورا دور شمس ؛ مثل حلقه دیده میشود . کیفیت مذکور را (کسوف حلقه وی) مینامند .
- س - آیا قمر در چندم ماه ؛ مابین شمس و ارض میباشد ؟
- ج - در هر اجتماع یعنی در هر اول ماه قمری .
- س - پس ؛ میباشد که در هر اول ماه قمری ؛ کسوف واقع شود . حال آنکه چنین نیست . آیا سبب آن چیست ؟
- ج - سبب آن اینست : ظل مخروطی قمر

بعضاً از طرف بالای کرهٔ ارض و بعضاً
از طرف پایین میگذرد . و لهذا کسوف
واقع نمیشود . یعنی هر وقتیکه ظل قمر
از کرهٔ ارض چپ شد کسوف واقع
نمیشود .

(خسوف)

س - خسوف کلی چیست ؟
ج - کرهٔ ارض وقتیکه مابین شمس و قمر
میباشد . قمر در حرکت خود اولاً به شبه
ظل ارض داخل شده نورش خیره میگردد .
و بعد به ظل ارض داخل شده نورش
کاملاً از نظر غائب میشود . یعنی قمر
بسیبیکه تماماً به سایهٔ اصلی ارض داخل میشود
بالکل تاریک گردیده از طرف مخلوق کرهٔ
ارض ؛ کاملاً دیده نمی شود . این
کیفیت را (کسوف کلی) مینامند .

- س - خسوف جزئی چیست ؟
- ج - کرهٔ قمر و قمری که کاملاً به ظل ارض ؛
داخل نشده باشد یعنی یک جزو آن ؛
داخل شده باشد جزو مذکور را ؛
مخلوق کرهٔ ارض دیده نمی تواند .
این کیفیت را (خسوف جزئی) می نامند .
- س - کرهٔ ارض در چند ماه ؛ مابین شمس
و قمر میباشد ؟
- ج - در هر استقبال یعنی در هر منتصف ماه
قمری .
- س - پس ؛ در هر چهاردهم ماه ؛ چرا
خسوف واقع نمیشود ؟
- ج - چونکه قمر بعضاً از جانب بالای ظل
ارض و بعضاً از جانب پایین آن میگردد
و بنابراین خسوف واقع نمیشود .
- س - مدت خسوف چقدر است ؟
- ج - مدت خسوف ؛ بسیار که باشد ۲ ساعت
است .

س - دريك سال چند كسوف و خسوف واقع
میشود ؟

ج - در مدت يكسال ؛ ۷ الى ۲ كسوف و
خسوف واقع میشود . هر گاه ۷ دفعه
واقع شود ۵ و يا ۴ آن ؛ كسوف
و باقی آن خسوف است .
و هر گاه ۲ دفعه واقع شود هر دوی
آن كسوف میباشد .

مد و جزر

س --- مد و جزر چیست ؟

ج - در مدت ۲۴ ساعت و ۴۸ دقیقه و
ارتفاع سطح بحر ۲ دفعه زیاد میشود
و کم میشود . یعنی آب دریا دو دفعه
می افزاید و بعده کم میشود . افزون
آب بحر را (مد) و کم شدن آن را

(جزر) مینامند .

س - آیا سبب مد و جزر چیست ؟

ج - جاذبهٔ قمر و جاذبهٔ شمس است . یعنی

سبب مد و جزر ؛ کشش ماهتاب و آفتاب است .

[کرهٔ قمر چون به گرداگرد کرهٔ ارض

میگردد لهذا در آن بجزرها که مقابل قمر اند

(از هر دو جهت ارض) مد واقع میشود .

چرا که بسبب جاذبهٔ قمر ؛ آبهای دیگر

بجزرهای مقابل قمر کش شده آب اینها

میافزاید . و این کیفیت را مد میگویند .

و در جهت متعا مد ؛ جزر واقع

میشود . چرا که آبهای شان به طرف

مد ؛ کش شده میباشد .

و نیز چون کرهٔ ارض به دور شمس

میگردد . لهذا جاذبهٔ شمس هم بقرار

فوق ؛ تأثیر نموده مد و جزر حاصل

میشود !]

س - مد و جزر چند ساعت دوام دارد ؟

ج - مد : ۶ ساعت دوام میکنند . بعده جزر

شروع میکنند و این هم ۶ ساعت دوام

دارد . الحاصل بعد از هر مد ؛ جزر و بعد

از هر جزر ؛ مد آغاز میکنند .

س - مد شمسی زیادتر است و یا مد قمری ؟

ج - اگر چه شمس ؛ نسبت به قمر خیلی بزرگتر

است مگر چون مسافت قمر به کره ارض ؛

نسبت به مسافت شمس ؛ خیلی اصغر است

لهذا تأثیر جاذبه شمس بقدر جاذبه قمر

نمیشود .

س - مد بکدام اوقات ؛ حد اعظم میباشد ؟

ج - در زمان اقتران شمس و قمر یعنی در هر

غره . چرا که در زمان مذکور جاذبه

شمس و قمر بیک استقامت و جهت

میباشند .

س - مد در کدام اوقات ؛ حد اصغر

میشود ؟

۶۵

ج - در هر تر بیع . چرا که در آن وقت ؛

خط جاذبه قمر و خط جاذبه شمس ؛

به هم دیگر متعامد میباشند .

و در هر غره و استقبال ؛ مد اعظم

میباشد چرا که در آن هنگام ؛ جاذبه

شمس و قمر در یک خط میباشد .

عالم

س - عالم چیست ؟

ج - زمین و آسمان و کافه موجودات ما بین

هر دوی آنها را عالم میگویند .

س - آیا جسامت زمین و آسمان معلوم

است ؟

ج - عرض و جسامت زمین معلوم است .

اما جسامت آسمان بنحالی معلوم

است . ازین سبب است که از باب فن

آسمان را (فضای نامتناهی) می
مینامند .

س - محیط ارض چه قدر است ؟

ج - ۴۰ میلیون متره است .

عالم شمس

س - عالم شمس چیست ؟

ج - مانند ارض ما بسیار کره های دیگر

میباشد که آنها نیز مانند ارض

بگرداگرد شمس دور و حرکت میکنند .

لهذا از بودن شمس در مرکز

و دوره زدن کره ها بگرداگرد شمس

یک هیئت بوجود می آید آن را

« عالم شمس » مینامند .

س - کره هایی که بگرداگرد شمس میگردند

آنها را چه مینامند ؟

ج - هر یکی را (سیاره) و همه را جمله
(سیارات) ویا (کواکب سیاره
مینامند .

س - کواکب چیست ؟

ج - ستاره را (کواکب) و جمع آنرا (کواکب)
مینامند .

س - اسماء کواکب سیاره را تعداد کنید !

ج - از سیاره که بشمس قریب تر است شروع
کرده بقرار ذیل تعداد میشود :

عطارد ، زهره ، ارض ، مریخ ،
سیارات تلسقوپیه ، مشتری ، زحل ،
اورانوس و پنتون .

س - سیارات تلسقوپیه چیست ؟

ج - مابین مریخ و مشتری ۴۳۹ عدد خرد

خرد سیاره های دیگر میباشد که بدون

دوربین رصد دیده نمی شوند . آنها را

« سیارات تلسقوپیه » مینامند .

س - آیا کواکب سیاره ؛ منیرالذات اند یعنی از

- خود نور دارند یا از دیگر جای ضیا میگیرند ؟
- ج - نی ؛ منیر بالذات نیستند .
- س - از کجا ضیا میگیرند ؟
- ج - از شمس .
- س - از غیر کواکب سیاره آیا دیگر کواکب نیز هست یا نه ؟
- ج - بلی ! دیگر کواکب نیز هست که اینها منیر بالذات اند یعنی از ذات خود نور دارند .
- س - این کواکب منیر بالذات را چه مینامند ؟
- ج - (کواکب ثابته) و یا (ثوابت) مینامند .
- س - آیا این کواکب را به چه سبب کواکب ثابته مینامند ؟
- ج - بسبب اینکه بعد شان از کره ارض و نیز از عهد دیگر خود لا یتغیر است .
- س - آیا کواکب ثابته هیچ حرکت ندارند ؟
- ج - فقط يك حرکت محوری دارند .
- س - بگرداگرد کواکب ثابته آیا دیگر کواکب سیاره دور و حرکت میکنند یا نه ؟

- ج - بلی بگردا کرد هر یکی از اینها دیگر
سیارات دور و حرکت دارند .
- ح - لهذا هر یکی از ثوابت چه شمرده میشود ؟
- ج - شمس شمرده میشود و شمس ما ؛ یکی
از جمله همین شمس است .
- ح - آیا ثوابت چند تا است ؟
- ج - بنظر که دیده میشود از ۶۰۰۰ زیاده
تر نیستند . اما بواسطه دور بین خوب که
دیده شود معلوم میشود که ثوابت ؛
نامتناهی اند یعنی حد و حساب ندارند .
- ح - بنابرین عالم چند است ؟
- ج - بقدرة الله تعالی عالم نامتناهی است .
- ح - کواکب ذواذئاب چیست ؟
- ج - نوعیست از کواکب . که يك يك
دم نورانی دارند . و اگر يك كوكب
باشد « کواکب ذات الذئب » یعنی ستاره
دمدار میگویند .
- ح - کواکب ذواذئاب چرا مانند دیگر کواکب

هر وقت دیده میشوند ؟

ج - محرك بعض اینها چون قطع ناقص

طولانی میباشد از کره ارض بسیار

دور میشوند ازین سبب هر وقت دیده

نمی شوند . مگر در هنگام دوره زدن

باطراف شمس هر وقتیکه بکره ارض قریب

آیند دیده میشوند . و محرك بعض آنها

چون قطع مکافی میباشد یکبار دیده

میشوند و باز هیچ دیده نمی شوند .

س - اجرام سماویه چیست ؟

ج - شمس و قمر و سیاره و نایبته و ذواذئاب و

میکویند .

کره مجسمه - کره مسطحه - خریطه

س - کره مجسمه و یا مصنعه چیست ؟

ج - از چوب و یا از مقوا کره ها میسازند .

آنها را (کره مجسمه) و یا کره مصنوعه
میگویند .

س - فائده کره مجسمه چیست ؟

ج - بواسطه کره مجسمه ؛ انسان ؛ حرکت
یومیه و حرکت سنویه ارض را و دوائر
متوازیه و دوائر نصف النهار را و طول
و عرض مواقع مختلفه را و . . . غیره
ملاحظات ارض را بخوبی و آسانی
می فهمد .

س - در کره مصنوعه ؛ يك حلقه چوبی که در
حد خط استواست چه نام دارد ؟

ج - افق عمومی نام دارد . در حلقه
مذکور ؛ نام ۱۲ ماه نوشته شده
میباشد . و نیز اشارات هندسیه ۱۲
برج و درجه های آنها رسم شده
میباشد . که در حین لزوم ؛ افق
حقیقی هر محل بواسطه حلقه مذکور ؛
تعیین کرده میشود .

س - در کره مصنعه ؛ يك حلقه برنجی كه از

قطبها گذشته است میباشد چه نام دارد ؟

ج - نصف النهار عمومی نام دارد . [برای

هر نقطه اكر يك نصف النهار رسم کرده

شود سطح کره از خطها پر میشود .

لهذا نصف النهار عمومی لازم آمد . و كان

همه را میکنند !] .

س - دائره ساعه چیست و چه فائده دارد ؟

ج - يك دائرة برنجی ریزه در قطب شمالی

کره مصنعه ؛ مربوط و مرکز آن به

محور کره مذکور ؛ منطبق میباشد .

آن دائره را « دائره ساعه » مینامند .

دائرة مذکور به ۲۴ قسم ؛

منقسم است . اقسام مذکوره عدد

ساعت را نشان میدهند .

بواسطه دائرة مذکور ؛ مدت لیل

و نهاریك محل را و نیز ساعت طلوع و

غروب شمس را و الحاصل ؛ ساعت

اوقات چنین چیزهای مفید را معلوم
 می نمایند و می کنند را با خط و قوس را
 من برای نشان ارتفاع قطب چیست ؟
 ج - مقدار آن قوس را گویند که ما بین قطب
 و افق حقیقی باشد .
 س - ارتفاع قطب ؛ همیشه به چه مساوی
 می باشد ؟
 ج - همیشه به عرض بلده ؛ مساوی می باشد .
 س - کره مسطحه چیست ؟
 ج - برای نشان دادن شکل و غیره کره ارض
 اگر چه کره های مصنوعه کافیهست مگر
 نقل و استعمال آن یعنی برداشتن و استعمال
 کردن آنها چون مشکل است به عوض
 آنها شکل ارض را ما بین دو دایره
 متصل می نمایند ؛ همان دو دایره را
 « کره مسطحه » مینامند . گویا کره
 مجسمه را دو پایه ساخته و پهلو به پهلو نهاده
 شکل آنها را گرفته باشند .

س --- خریطه چیست ؟
ج - يك پارچه سطح ارض را بر کاغذ و یا
بر مشمع رسم میکنند ؛ آنرا (خریطه)
میکویند . خریطها از کره های مصنوعه
و مسطحه زیاده تر تفصیلات داشته
میشوند .

— جمعیت بشریه و ادیان —

س - نوع بشر ؛ چرا جمعیت جمعیت می زنند ؟
ج - افراد بشر ؛ چون بهم دیگر خود شدیدآ
محتاج اند لهذا مجبورند که بجمعیت بزینند .
س - جمعیت های بشر ؛ نظر به اقامت
چند نوع میباشد ؟
ج - ۲ نوع :
۱ - بدوی یعنی کوچی ،

- ۲ - مدنی یعنی شهری .
- س - بدوی ها در کجا امرار حیات میکنند ؟
- ج - هر موسم در يك محل ؛ امرار حیات میکنند .
- س - مدنی ها در کجا امرار حیات میدارند ؟
- ج - در قریه ها ، در قصبه ها و در شهرها .
- س - قریه چیست ؟
- ج - جای سکونتیست که عبارت از اجتماع چند خانه باشد .
- س - قصبه چیست ؟
- ج - چنین جای سکونتیست که یکچند محله و بازار و مسجد داشته باشد .
- س - شهر چیست ؟
- ج - چنین محل سکونت را گویند که محله های کثیره و جوامع و مساجد شریفه و مدارس منیفه ، مکاتب متعدده ، طرق منظمه ، و مبانی جسمیه و غیره داشته باشد .
- س - مملکت چیست ؟

ج - هیئت جموعه آن بلاد را گویند ؛ که
در تحت تصرف يك حکمدار یعنی يك
پادشاه باشد .

س - دوات چیست ؟
ج - جموع اهالی يك ویا چند مملکت را
« دوات » گویند ؛ که ماتحت يك
اداره بوده تابع يك قانون باشد .

س - حکومت چیست ؟
ج - آن هیئت را گویند ؛ که اداره دولت
بعهده اش باشد .

س - مدنی ها نظر به تدابیر امر ، عايش ؛ به چند
صنف منقسم است ؟

ج - به ۳ صنف :
۱ - اصحاب علم و معرفت ،
۲ - ارباب حرفت و صنعت ،
۳ - اهل تجارت .

س - آیا نوع بشر ؛ تخمیناً چه قدر میباشد ؟
ج - تخمیناً زیاده تر از يك . ليار و چهار صد میلیون

میباشد .

ح - نوع بشر ؛ نظر به رنگ و شکل شان ؛
چند جنس است ؟

ج - ۴ جنس :

- ۱ - سفیدرنگ و یا قافقاس (عرق ابیض) ،
- ۲ - زرد رنگ و یا موغول (عرق اصفر) ،
- ۳ - سیاه رنگ و یا زنجبی یعنی حبشی (عرق اسود) ،
- ۴ - سرخ نسواری رنگ (عرق احمر) .

ح - انسانهای عرق ابیض چه طور است ؟

ج - آدمهای عرق مذکور ؛ سرخ و سفید
رنگ میباشند . اگرچه بعضی شان که
در اقالیم حاره ؛ متوطن اند بسبب تأثیر
حرارت شمس ؛ چندان سفید رنگ
نمیباشند مگر باز نظر به شکل و سیای شان ؛
از دیگر جنسها تفاوت دارند .

ح - جنس قافقاس و یا قوقاس در کدام قطعات
ارض میباشند ؟

ج - در هر طرف اروپا ؛ و در نصف غربی
آسیا ؛ و در جهت شمال افریقا ؛ و خبلی
از آنها در امریقا و اوقیانوسیا ؛ منتشر اند .

س - جنس موغول چه طور است ؟

ج - موغولها زرد و یا زیتونی رنگ میباشد .
چهرهٔ واسع ، سرکلان و مدور ، دهن
بردار ، بینی پچق ؛ و چشم دراز و تنگ دارند .

س - موغولها در کدام قطعات ارض اند ؟

ج - در وسط و شرق و نیز در شرق جنوبی
قطعهٔ آسیا ؛ و یک فرقهٔ شان در جزائر
قطعهٔ آوسترالیای متوطن میباشدند .

س - زنجیها کدام اند و چه طور اند ؟

ج - یک جنس مخلوقیست سیاه رنگ و بعض
آنها قریب سیاه است . آنها را
« حبشی » نیز مینامند .

پیشانی زنجیها مستوی یعنی
هموار ، زنجشان ؛ پیش برآمده .

لبهای شان لک ، بینی های شان صریض
یعنی بردار و پچق و موی های شان ؛
کد ود و بسیار سیاه است .

س - زنجی ها در کدام قطعات ارض
میباشند ؟

ج - تقریباً در هر طرف افریقا و در قسم
اعظم آوسترالیا میباشند .

س - نوع احمر کدام است و کجا سکونت دارند ؟

ج - انسانانیست که رنگ شان سرخ نسواری ،

روی شان مسطح ، بینی شان پچق ،
دهن شان واسع است .

عرق احمر ؛ اهالی اصلی امریقا است .

س - عموماً قد انسان چه قدر است ؟

ج - علی العموم بقدر ۱،۶۷ متره است .

مگر در بعض محلهها از دو متره زیاده و یا

از یک متره کمتر هم میباشد . مثلاً : اهالی

ژاپونیا از ۱،۳۰ متره ؛ بلند تر نمیشوند .

قطعات کرهٔ ارض

- س - سطح کرهٔ ارض از چه مرکب است ؟
- ج - از بر و بحر یعنی از خشکه و دریا
مرکب است .
- س - چه قدر ارض ؛ بر و چه قدر آن ؛
بحر است ؟
- ج - ۳ قسم سطح ارض ؛ بحر است و یک قسم
آن بر . لهذا قسم بر را یعنی قسم
خشکه را « ربع مسکون » مینامند .
- س - بر به چند پارچه منقسم است ؟
- ج - به ۵ پارچه بزرگ ؛ منقسم است .
هر یکی را « قطعه » و هر پنج را
« قطعات خسه » مینامند .
- س - قطعات خسه کدام اند ؟
- ج - ۱ - اروپا ،
۲ - آسیا ،

- ۳ - افریقا ،
۴ - امریقا ،
۵ - اوقیانوسیا ویا آوسترالیا •
س - قطعات اورویا ، آسیا و افریقارا چه
مینامند ؟
ج - برعتیق ویا دنیای عتیق مینامند •
س - چرا چنین مینامند ؟
ج - چونکا سه قطعه مذکور ؛ بیشتر کشف
شده اند •
س - قطعات امریقا و اوقیانوسیارا چه
مینامند ؟
ج - بر جدید ویا دنیای جدید •
س - چرا ؟
ج - چونکا ۲ قطعه مذکور ؛ پسان کشف
شده اند •
س - قطعه امریقارا کدام شخص کشف کرد ؟
ج - به تاریخ میلادی ۱۴۹۲ ، کریستوف
قولومب نام کشف کرد •

س - سابق گفته شد که قسم خشک به ۵
 قطعه منقسم است . آیا قسم بحر
 به چند منقسم است ؟

ج - قسم بحر هم به ۵ بحر بزرگ : منقسم
 است . هر یکی را « بحر محیط » و هر
 پنج را « ابخار محیطه » و یا « ابخار خارجه »
 مینامند .

س - اینها را چرا بحر محیط مینامند ؟

ج - چونکه قطعات ارض را احاطه نموده اند .

س - ابخار محیطه کدام اند ؟

ج - ۱ - بحر محیط کبیر [ما بین امریقا
 و آسیا] ،

۲ - بحر محیط اطلسی [ما بین اورویا
 آسیا و افریقا] ،

۳ - بحر محیط هندی [در جنوب آسیا
 هر دو هندستان را احاطه کرده
 است] ،

۴ - بحر منجمد شمالی [قطب شمالی
 کره ارض را احاطه نموده در شمال

اوروپا ، آسیا و امریکا میباشد ،

۵ - بحر منجمد جنوبی [قطب جنوبی]

ارض را مستور نموده .

س - بدون ۵ بحر فوق آیا دیگر بحر نیست ؟

ج - بلی ؛ دیگر بحر ها هست . آنها را « بحار

داخله » مینامند .

بعض معلومات شتی

س - بدون قطعات خسته ؛ در سطح ارض آیا

دیگر قطعات هست یا نه ؟

ج - بلی ؛ ۲ قطعه یخدار دیگر هست . یکی

در قطب شمالی و یکی در قطب جنوبی .

تألیحاً حقیقت آنها تماماً معلوم نشده .

دو قطعه مذکور را « اقطار قطبی »

مینامند قطب ها مابین پارچه های یخ ؛

گور شده میباشد .

پارچه های مذکور در موسم گرما
از جای های خود جدا میشوند و بطرف
خط استواروان میشوند . و هنوز به خط
استوا نرسیده آب گردیده محو میشوند .
قطب شمالی ؛ بواسطه شهاب اورویا ،
آسیا و افریقا احاطه شده است .
حال آنکه قطب جنوبی ؛ بواسطه
هیچ قطعه ؛ احاطه نشده .

لهذا در قطب شمالی ؛ اجرای کشفیات
آسان تر است . و در انجا تخریبات ؛
زیاده تر .

حال آنکه قطب جنوبی ، بواسطه
پارچه های بزرگ یخ ؛ مستور است .
لهذا در انجا اجرای سیاحت ؛ تهلكه ناك تر
است . باوجود آن ؛ در خصوص اجرای
تخریبات و کشفیات ؛ دل اندازی نمیکند ؛
نقطه بلند ترین خشکه از سطح آب ؛
چه قدر بلند است ؟

ج - ۹ کیلو متره است . حال آنکه نصف

قطر ارض ؛ عبارت از ۶۳۶۷

کیلو متره است .

پس ؛ گویا نقطه مرتفعترین کره ارض ؛

عبارت از $\frac{۱}{۷۰۰}$ نصف قطر ارض

میباشد .

س - بحریکه چقورترین است عمق آن چه

قدر است ؟

ج - از ۹ کیلو متره ؛ متجاوز نمیباشد .

مثلا در بحر محیط کبیر در جوار جزائر

ژاپونیا عمق زیاده ترین را اندازه

کردند ۸۱۵ کیلو متره یافتند . که

عمق مذکور به ارتفاع صحرائی تبت که

بلندترین است و نیز به ارتفاع

غاوریسافغار نام یک تپه جبال هالایا

مساوی میباشد .

از بیان فوق ؛ چنین معلوم میشود که

چقوری بحر و بلندی خشک ؛ متساوی یعنی
برابر میباشد .

و نیز از بیان فوق ؛ چنین ظاهر میشود
که هرگاه يك كره مجسمه ساخته شود که قطر آن
۳۰ سانتیمتره باشد کوه بلند ترین آن ؛ بقدر

$\frac{1}{5}$ میلمتره یعنی بقدر خمس میلمتره ؛ يك بلندی

تشکیل میکنند . و بحر عمیقترین نیز ؛ عین مقدار
پستی را تشکیل میدارد .

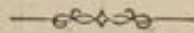
حال آنکه چنین پستی و بلندی ؛ به نظر
نمی آید بلکه بوا سطح لمس دست ؛ محسوس
میشود .

پس ؛ کوه های بلندترین ؛ نظر به جسامت
ارض ؛ از بلندی های سطح نارنج هم ؛ اصغر
است . لهذا شکل مخصوص ارض را تغییر داده
نمی توانند .

الحاصل هرگاه جایهای بلند خشک را تراشیده
و در چقوریهای آن انداخته تسویه کرده شود یعنی

يك سطح ساخته شود باز ؛ سطح زمین از سطح
بحر ؛ بقدر ۵۰۰ الی ۶۰۰ متره بلند میباشد .
و نیز اگر بلندیهای قعر بحرها در چقوریهای
آن انداخته يك سطح مستوی کرده شود باز ؛
چنین يك حوضه پیدا میشود که عمق آبش بقدر
۴۰۰۰ متره میباشد .

و هرگاه سطح زمین و قعر بحر ؛ بیک تسویه
آورده شود هر طرف روی زمین ؛ بچنین بحر ؛
مستور و محاط میشود که عمق آن ۲۰۰ متره
میباشد . و مخلوقات خشکه ؛ که الآن موجود
است همه تلف میشد !



— قطعهٔ اروپا —

(قسم طبیعی)

« باید که از خریطه ؛ تعقیب کرده شود ! »

س — اروپا نسبت به دیگر قطعات ؛ چه جسامت دارد ؟

ج — قطعهٔ اروپا ؛ از افریقا ۳ ، از آسیا ۵ و از امریقا ۴ دفعه خرد است .

[مگر از همه ؛ معمورتر است و

هوایش ؛ معتدل و اراضی اش منبت

و محصولدارتر است و همهٔ دول معظمه

در اینجا میباشند لهذا قطعهٔ اروپا نظر

به دیگر قطعات ؛ درجهٔ اول است !]

س — حدود قطعهٔ اروپا را بگویید !

ج — قطعهٔ اروپا بقرار ذیل ؛ محدود است :

شمالاً : بحر منجمد شمالی ،

غرباً : بحر محیط غربی و یا بحر محیط

اطلاسی ،

جنوباً : بحر سفید میباشد .
 و شرقاً : بواسطه نهر اوزال و جبال
 اوزال ؛ و از طرف جنوب شرقی ؛
 بواسطه جبال قفقاس به خشکه ؛ متصل
 است .

ابحار اوروپا

س --- بحرهای قطعه اوروپا کدام اند ؟
 ج - در شمال قطعه مذکور ؛ بحر منجمد شمالی ،
 در غربش بحر محیط غربی ویا اطلسی
 و در جنوبش بحر سفید .
 بحر سفید از جمله ابحار داخله شمرده
 میشود . اول بحریکه انسانها شناختند
 همین بحر سفید است ؛
 بحر مذکور چون مابین ۳ قطعه است
 یعنی مابین اوروپا ، افریقا و آسیا

- میباشد تجارتنا ؛ خیلی اهمیت دارد •
- به دورا دورش بسیار حکومتها و به
- ساحلش بسیار لیمان واسکله ها میباشد •
- هیچ بحر نیست بقدر بحر سفید ؛
- شهر و قصبه داشته باشد •

بحر سفید را يك قول یعنی يك شاخ

بحر محیط اطلاسی می شمارند •

س - قطعه اوروپا بدون ابجار خارجه فوق ؛

آیا دیگر بحر ندارد ؟

ج - بلی ؛ دیگر خیلی ابجار صغیره یعنی ابجار

داخله دارد که بقرار ذیل از ابجار خارجه

پیدا شده میباشند :

- | | | |
|--------------------------------------|---|------------|
| از بحر محیط اطلاسی
حاصل شده اند • | } | بحر اربیض |
| | | » بالطق |
| | | » شمال |
| | | » مانس |
| | | » ایرلانده |

بحر دریانیق

• یونان

• جزائر

• سرمره

• سیاه

• ازاق

• از بحر سفید پیدا شده اند •

بحر حزرز ؛ يك بحر مستقل میباشد

یعنی از دیگر بحر پیدا نشده است • بحر

مذکور ؛ اوروپا را از قطعه آسیا ؛

تفریق میکند •

✧ جزائر قطعه اوروپا ✧

س - جزائر مشهوره اوروپا کدام اند ؟

ج - جزائر مشهوره قطعه اوروپا بر وجه

آنیست :

• زامبل جدید ؛ در بحر منجمد شمالیست •

(از روسیه) است •

سیلانند } در بحر بالطق . (از دانیمارقه)
فیونی

ایرلانده } در بحر محیط اطلسی . (از انکلتره)
بریتانیا

ایسلانده در بحر محیط اطلسی
(از دانیمارقه)

ص - جزیره های بحر سفید و بحر آطه لر [۸]
و بحریونان کدام اند ؟

ج - جزیره های بحر سفید و بحر آطه لر و
بحر یونان بقرار ذیل است :

قور سبکه ؛ (از فرانسه)

ساز دنیا }
سجلیسا } از ایتالیا

جزائر مجتمعه باله آر ؛ از اسپانیا

مالطه ؛ از انکلتره

کرید ؛ از عثمانی

قبریس ؛ از عثمانی بوده . موقوفه

بزیر اداره انکلتره میباشد .

[۸] بحر آطه لر = بحر جزائر .

جزیره های بحر آطلر :

کلمه

از عثمانی	}	ردوس
		ساقز
		مدلی
		لمینی

چون بساحل عثمانی قریب اند لهذا از عثمانی میباشد .	}	طاشوز
		سمندیرک

کلمه

جزیره های بحر یونان :

از یونان است .	}	قورفو
		یاقسو

در هر آطلر خبلی جزیره های دیگر میباشد همه را
 سبقلاد مینامند . آنها که به یونانستان مجاورند
 از یونانستان میباشد . و آنها که به ساحل اناطولی
 قریب اند از عثمانی میباشد .

گورفزا یعنی خلیج های مشهور
قطعه اروپا

س - گورفزهای مشهور اروپا کدام اند ؟

ج - بوتنی }
فنلاند }
رینا }

ژو - وی ده رژه ؛ در بحر شمال بساحل
فلمنک ،

غاسقونیا ؛ در بحر محیط اطلسی بساحل
فرانسه ،

لیون ؛ در بحر سفید بساحل فرانسه ،

جنوه ؛ در بحر سفید بساحل ایتالیا ،

اسکندرون ؛ در بحر سفید بساحل عثمانی ،

سلانیک ؛ در بحر آطه لر بساحل عثمانی ،

از میر و در بحر آطلر بساحل عثمانیه
میشد .

بوغاز های قطعه اوروپا

س - بوغاز های مشهور ترین قطعه اوروپا
کدام اند ؟
ج - بقرار آتست :

اسقازه رراق
غاته غات
سوند
بحر شمال و بحر بالطق را
هم متصل میسازند .

بادو قاله بحر شمال و بحر مانتر را
هم متصل میسازد .

زیر التار [یعنی جبل الطارق] بحر محیط
اطلاسی و بحر سفید را متصل میکند .

بوفاز مذکور ؛ مابین اروپا
و آفریقا ؛ خیلی مهم ؛ يك
بوفاز است و بواسطه شهر جبل الطارق ؛
تحت حکم انگلتره میباشد . شهر
جبل الطارق نیز ؛ خیلی مستحکم بوده
به زیر اداره انگلتره میباشد .

یونیاچیو مابین جریره های ساردنیا و قورسیقه ،
مه سینا مابین جزیره سبلیا و شبه جزیره
ایتالیا

قنال او طرانت ؛ بحر ادریاتیک و بحر یونان را متصل
میکند .

بوفاز چناق قلعه (داردانیل) ؛ مابین بحر
آطه لر و بحر مرمره ،

بوفاز استانبول ؛ مابین بحر مرمره و بحر سیاه .

بوفاز چناق قلعه و بوفاز استانبول

بسیار قلعه های مستحکم و طایفه ها

دارند و هم سیاست و هم تجارت

خیلی مهم اند .

◀ عوارض زمین قطعهٔ اروپا ▶

زمین قطعهٔ اروپا ۲ قسم است : یکی
اووه [۱] است که طرفهای شمال اروپا
را تشکیل داده ، قسم دیگرش کوهبند
است که قسم جنوبی اروپا را به وجود
آورده است .

محل کوهبندترین قطعهٔ اروپا و سطحش
است که دولت اسویچره در آنجا میباشد .

— اووه ها —

س — در کدام جهت‌های قطعهٔ اروپا اووه ها
زیاده تر میباشد ؟

[۱] اووه = زمین هموار ، صحرا ، دشت .

ج - در جهتهای شمال و غرب شمالی . مکر
شبه جزیره اسقاندیناویا مستثناست .
چرا که شبه جزیره مذکور ؛ بواسطه
جبال جسیمه و مرتفعه ؛ مستوراست .
شمال فرانسه ، بلجیقا ، فلمنک ،
سواحل المانیا و همه روسیه ؛ اووه
است .

— جبال اورویا —

س - محلهای کوهبند قطعه اورویا کدام
است ؟

ج - حدود اسپانیا از جانب فرانسه ، کل
اسپانیا ، سویچره ، ایتالیا ، المانیا
و یک قسم آوستریا و مجارستان ،
اورویای عثمانی ، صربستان ، قره داغ

• یونا نستان

س - از جمله جبال اوروپا کدامش مهمتر است ؟

ج - جبال آلپ است • جبال مذکوره ؛

اساس جبال اوروپا را تشکیل داده عبارت

از سلسله مرتفعترین جبال اوروپا میباشد •

(ارتفاعات وسطی آنها ۳۰۰۰ متره

است •)

س - سلسله آلپ در کجای اوروپا میباشد ؟

ج - مابین فرانسه و ایتالیا •

س - جبال پیره نه کجاست و ارتفاع آنها چه

قدر است ؟

ج - مابین اسپانیا و فرانسه می باشند و ۲۰۰۰

متره • ارتفاع دارند •

س - (جبال آبنین) کجاست ؟

ج - شبه جزیره ایتالیا را سراپا احاطه نموده

است •

۱۰۰

س - (جبال قاربات) در کدام حد اروپاست ؟

ج - در آوستریا و مجارستان است .

س - (جبال بالقان) در کجاست ؟

ج - در بلغارستان است . روم ایلی شرقی را

از بلغارستان ؛ تفریق میکنند .

س - (جبال سیه رانوادا) در کدام حد اروپا

و چه قدر ارتفاع دارند ؟

ج - در اسپانیا و ۱۰۰۰ متره ارتفاع دارند .

س - (جبال اسقاندیناوا) در کجاست ؟

ج - در اسوج و نوروج میباشد .

س - (جبال اورال) در کدام حد اروپاست ؟

ج - در شرق روسیه ؛ مابین قطعه اروپا و

قطعه آسیا میباشد .

س - (جبال قفقاس) کجاست ؟

ج - مابین بحر خزر و بحر سیاه .

❦ وادیهای [۱] قطعهٔ اروپا ❦

- س - وادیهای مشهورترین ممالک کوهبند دار اروپا کدام اند ؟
- ج - وادی رون ؛ در فرانسه ،
• طونه ؛ در آستریا و رومانیا .

شبه جزیره های اروپا

- س - ۴ شبه جزیرهٔ کلان اروپا کدام اند ؟
 - ج - بقرار ذیل اند :
۱ - در شمال اروپا ؛ شبه جزیرهٔ (اسقاندیناویا) میباشد . شبه جزیرهٔ مذکور ؛ حکومت اسوج ونوروج را محتویست ،
۲ - در جنوب غربی اروپا ؛ شبه
-
- [۱] وادی = چوقوری دراز که مابین ۲ کوه است ، دره .

۱۰۲

جزیره (ایبه ریک) میباشد . شبه
جزیره مذکور ؛ دولت اسپانیا
و دولت پورتگال را محتویست ،

۳ - در جنوب اروپا ؛ شبه جزیره
(نه له نیک ویا ایتالیا) میباشد
حکومت ایتالیا را محتویست .

۴ - در جنوب شرقی اروپا ؛ شبه
جزیره (بالکان) است حکومت
دولت علیه عثمانیه ، بلغارستان ،
رومانیا ، صربستان ، قره داغ
و یونان را محتوی میباشد .

ش - آیا بدون ۴ شبه جزیره فوق ؛ در اروپا
دیگر شبه جزیره نیست ؟

ج - بله است ؛ (ژوتلاند ویا سیمبه ریک) ،

- (مورہ) ، (حالیکدیک) و (قریم) نام ۴

عدد شبه جزیره خرد دیگر نیز ؛ در اروپا

۱۰۳

هست . مگر (ژوتلاند) و (موریه)
بواسطه قنال (کیه ل) و قنال (قوره نت)
که جدید کشاده شده اند جزیره
گردیده اند . قنالهای مذکور در زمان
قدیم ؛ برزخ بودند .
(حالیکدیک) در بحر آطه لر ؛ و
(قریم) در بحر سیاه در روسیه است .

برزخهای اروپا

س - برزخهای اروپا کدام اند ؟
ج - (کیه ل) و (قوره نت) نام برزخها الحال
قنال گردیده اند . لهذا الحال در اروپا
تنها برزخ (پره قوب) مشهور است .
که قریم را به خشکه ؛ متصل میکند .

۱۰۴

رأسهای اروپا

- س - رأسهای اروپا کدام اند ؟
- ج - رأسهای مشهور اروپا بقرار آتی اند :
- رأس شمال ؛ در شمال اروپا در شمال شبه
جزیره اسقاندیناویا ،
- « له‌نده‌س‌لند ؛ در غرب جنوبی جزیره
بریتانیا ،
- « فی‌نیستهر ؛ در غرب شمالی اسپانیا ،
- « سن‌وه‌نسان ؛ در جنوب غربی
پورتگال ،
- « ماتاپان ؛ در جنوب یونانستان ،

کوه‌های آتشفشان اروپا

- س - در قطعه اروپا چند کوه آتشفشان هست ؟

۱۰۵

ج - مشهورترین کوه های آتشفشان اروپا :

اینهاست :

هقلا ؛ در جزیره ایزلانده ،

وه زو ؛ در ایتالیا در قرب شهر ناپولی ،

آتسا ؛ در ایتالیا در جزیره سچلیا .

بحیره های قطعه اروپا

س - در قطعه اروپا ؛ کدام جاها بحیره دارند ؟

ج - اول باول ؛ جای است :

اسوچ ، اسوچیره ، ایتالیای شمالی و

روسیه در ساحل بحر بالطق .

علاوه بران ؛ بحیره هائیکه در

ارناوودستان دولت علیه عثمانیه نیز ؛ شایان

تعداد است . بحیره های مشهور اروپا

بقرار آیدست :

بحیره (مه لار) ؛ در اسوچ ،

» (جنوه)
» (قونستانس) ؛ در اسویچره ،

» (قوم) ؛ در ایتالیا ،

» (اسقودره)
» (اوحزی) ؛ در ارناوود ،

» (لادوفا)
» (اونه‌غا) ؛ در روسیه .

انهار قطعه اوروپا

س - نهرها و رودهای قطعه اوروپا به کجا
میریزند ؟

ج - به بحرهای شبکه قطعه اوروپا را احاطه نموده اند
یعنی به بحر منجمد شمالی ، بحر محیط
اطلاسی ، بحر سفید ، بحر سیاه و بحر
حزق میریزند .

۱۰۷

- س - قطعهٔ اوروپا چند سطح مائل دارد ؟
- ج - هر گاه از شرق شمالی تا به غرب جنوبی
بواسطهٔ يك خط ؛ تفريق كنيم قطهٔ اوروپا
به ۲ سطح مائل بزرگ تقسيم ميشود .
[جبال آلپ و شعبه های آن در وسط اوروپا
بوده خط مذکور را تشكيل داده است] .
- س سطح مائل شمال و غرب شمالی و غرب را
كدام بجزها تشكيل میدارند ؟
- ج - بحر منجمد شمالی ، بحر بالطق ، بحر شمال ،
كورفز فاسقونيا ، بحر محيط اطلاسی .
- س - سطح مائل جنوب و جنوب شرقی و شرقی
را كدام بجزها تشكيل میکنند ؟
- ج - تمام بحر سفید ، بحر ادرياتيک ، بحر
آطه لر ، بحر مرمره ، بحر سیاه و بحر
حزق .

۱۰۸

ص - آنهار مشهوره قطعه اوروپا کدام اند ؟

ج - بقرار آتیست :

۱- چوزا ، در روسیه بوده به بحر منجمد

شمالی میریزد .

دی وینای شمالی ؛ در شمال روسیه بوده

به بحر ایض میریزد .

نهوا ؛ از پایتخت روسیه یعنی از پته رسبورغ

میکذرد به بحر بالطق میریزد .

وونا (دی وینای جنوبی) ؛ از روسیه

میکذرد به بحر بالطق

میریزد .

نی په من ؛ از روسیه میکذرد به بحر

بالطق میریزد .

ویستول ؛ از المانیا میکذرد به بحر بالطق

میریزد .

اوده ر ؛ از المانیا میکذرد به بحر بالطق

میریزد .

تایس ؛ از لوندرو یعنی از پایتخت انگلتره میگذرد

به بحر شمال میریزد .

لبه ؛ از المانیا میگذرد به بحر شمال میریزد .

وه زهر ؛ از المانیا » » » »

رون ؛ » » ، اسویجره و فلمنک میگذرد

به بحر شمال میریزد .

موز ؛ از فرانسه ، بلجیقا و فلمنک میگذرد

به بحر شمال میریزد .

سقوط ؛ از فرانسه ، بلجیقا ، فلمنک » »

بحر شمال میریزد .

سن ؛ از پایتخت فرانسه یعنی از شهر پارس » »

بحر مائز میریزد .

لووار ؛ از فرانسه میگذرد به بحر محیط اطلاسی

میریزد .

خارون ؛ از فرانسه » » » » میریزد

ماز ؛ از سرگز پور تکیز یعنی از شهر لیزبون

به بحر سیاه میریزد .

نهر مذکور در خصوص نقلیات و
خیلی مهم است تقریباً از منبع تا به
منصبش در هر طرف آن ؛ سفینه ها
تردد کرده میتواند .

نهر دینیستر ؛ از روسیه میگردد و به بحر سیاه میریزد .

» دینیپر ؛ » » » »

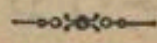
» دون ؛ » » » »

» وولغا ؛ » » » »

نهر مذکور دراز ترین آنهاست اوروپا
میباشد .

نهر وولغا ۳۴۰۰ کیلومتره طول دارد .

» طونه ۳۲۰۰ » » » »



۱۱۲

قطعهٔ اروپا

قسم سیاسی

ازخریطه باید تعقیب کرده شود :

ص - قطعهٔ اروپا نظر به دیگر قطعات ؛ چه
طور است ؟

ج - قطعهٔ اروپا از جمله قطعات مهمترین دنیا
بوده نظر به مساحتش نفوسش زیادتر
و متمدنتر است .

ص - دول اروپا نظر به اقتدار مالی و عسکری
بکدام درجه اند ؟

ج - درجهٔ اول دولتهای دنیا اند .

ص - شهر هائیکه دولتها مرکز ، اتخاذ کرده اند
چه نامیده میشوند ؟

ج - (مفرحکومت) ویا (پایتخت) ویا (مرکز)

اداره (نامیده میشوند .

س - دول معظمه اروپا یعنی حکومتهای بزرگ
اروپا کدام اند ؟

ج - اینها اند : (المانیا) ، (انگلتره) ،
(روسیه) ، (فرانسه) ، (آوستریا و
مجارستان) و (ایتالیا) است . در عالم
پولیتیک یعنی در عالم سیاسی ؛ نفوذ همین
دولتها جاریست .

س - آیدولت علیه عثمانیه از جمله دول معظمه نیست ؟

ج - در معاهده پارس به جمله دول معظمه داخل شده
بود . مگر پیمان آن موقع را غائب کرد .
الحال سعی بلیغ دارد که در میان دول
معظمه ؛ یک موقع مهم ؛ احراز نماید .

س - حکمداران عالم به چند نام و عنوان یاد
میشوند ؟

ج - حکمداران ؛ نظر به جسامت اراضی و

کثرت نفوس شان یا به عنوان (ایمپراطور)

ویا (قرال یعنی روا) ویا (پرنس) یاد

میشوند .

س - حکومتیکه به معرفت یک ایمپراطور :

اداره میشود چه نامیده میشود ؟

ج - ایمپراطوریت نامیده میشود .

س - حکومتیکه به معرفت قرال : اداره میشود

چه نام دازد ؟

ج - قرالی یعنی قرالیت : نام دارد .

س - حکومتیکه به معرفت پرنس : اداره میشود

چه نامیده میشود ؟

ج - پرنسی نامیده میشود .

س - حکومتیکه بمعرفت یک رئیس جمهور :

اداره میشود چه نامیده میشود ؟

ج - جمهوریت .

س - حکمداران اسلام را به چه عنوان یاد

میکنند ؟

۱۱۵

ج - (سلطان) ویا (امیر) ویا (شاه) •

س - درآوروپا چند حکومت هست ؟

ج - ۱۳ - قرالیت ،

۴ - امپراطوریت

۲ - جمهوریت

۱ - پرنس نشین [۱]

۱ - دوقه لقی [۲]

س - قرالیت ها کدام اند ؟

ج - (۱) قرالیت انگلتره و امپراطوری هندستان ،

(۲) دانیمارقه ، (۳) اسوچ ، (۴) نوروج ،

(۵) بلجیقا ، (۶) فلمنگ ، (۷) پورتگیز ،

(۸) اسپانیا ، (۹) ایتالیا ، (۱۰) رومانی ،

(۱۱) صربستان ، (۱۲) یونانستان ،

[۱] پره نس = کسانیکه از خاندان حکمداری

باشد مردم آوروپا اورا (پره نس) مینامند •

[۲] دوقه درآوروپا نام اصالت و خاندانیت •

دوقه لقی = دوقه نشین •

• بلغارستان (۱۳)

- س — امپراطوریت ها کدام اند ؟
- ج — (۱) دولت علیّه عثمانیه ، (۲) روسیه •
(۳) المانیا (۴) آوستریا و مجارستان •
- س — جمهوریت ها کدام اند ؟
- ج — (فرانسه) و (اسویچره) •
- س — پرنس نشین کدام است ؟
- ج — قره داغ • دیگر بعض حکومت های خرد •
مثلا : (موناکو) در حدود فرانسه
ب ساحل بحر سفید میباشد •
- س — دوقه لق یعنی دوقه نشین ؛ کدام است ؟
- ج — لوکسنبورغ است •
- س — آیا در اروپا قرالیت های دیگر نیست ؟
- ج — بلی • قرالیت های (پروسیه) ،
(ساقسونیا) ، (باوهیرا) (وورتمبرغ)
نیز هست • مگر اینها اتحاد المانیارا به

۱۱۷

وجود آورده اند .
و نیز قرالیت (مجارستان) هست . مگر
بهمراه اوستریا تابع یک امپراطور شده است .

مذاهب

- س - مذاهیبیکه میان دول و ملل اورویا
حکمر ماست کدام اند ؟
- ج - قانونیک ، اورتودوکس ، پروتستان .
- س - کدام دولتها که مذهب رسمی آنها
قانونیک است ؟
- ج - (فرانسه) ، (اسپانیا) ، (ایتالیا) ،
(اوستریا) ، (المانیای جنوبی) و
(جزیره ایرلنده) .
- س - مذهب اورتودوکس در کدام جا های اورویا
حکمر ماست ؟
- ج - روسیه ، بلغارستان ، یونان .
- س - مذهب پروتستان در کدام جا های اورویا
انتشار یافته ؟

ج - المانیای شمالی ، دانیمارک ، انگلتره ، اسوچ

س - آیدین مبین اسلام در اوروپا انتشار یافته ؟

ج - بلی ؛ در شبه جزیره بالکان ، در سواحل

شمالیه و شرقیه و جنوبیه بحر سیاه و در ساحل

بحر ازاغ و در حوضه نهر وولغا انتشار یافته .

[در زمان قدیم ؛ هر بهائیک اسپانیارا

استیلا نموده بودند میخواستند که از طریق

فرانسه در همه اوروپا نشر اسلامیت نمایند .

مگر بسبب بعض موانع ؛ همین اجر و شرف

را تا جنوب جبال پیره نه در اسپانیا

رسانیده توانسته اند .

الحاصل ؛ بعد از آنکه عبدالله الصغیر

(غمر ناطه) را تسلیم نمود در آنجا پهای

اوروپا نیز ؛ مذهب قاتولیک ؛ آغاز

کرد .

مذهب موسوی در مرکز اوروپا بیک

صورت متفرق میباشد .

حکومات بالقان

اوروپای عثمانی

دولت عثمانیه در میان هیئت دولیه اوروپا
میشد . اگرچه قسم اعظم اراضی دولت عثمانیه
در آسیا و افریقا میباشد مگر اراضی که در
اوروپا در شبه جزیره بالقان دارد نیز خیلی مهم است .
آن را (اوروپای عثمانی) ویا (روم ایلی) مینامند .
اراضی اوروپای عثمانی خیلی قیمتدار و خیلی
منبت و محصولدار است . مساحت سطحیه اراضی
مذکور در سابق ۳۲۶۵۰۰ مربع کیلو متره
بود . مگر دو پارچه مهم آن که یکی بلغارستان
و یکی بوسنه و هر سگ است چون ؛ بلغارستان
همراه روم ایلی شرقی ؛ قرالیت شد و بوسنه
و هر سگ ؛ به آو-تریا و مجارستان داده شد

لهذا مساحت مذکور به (۱۶۹ ۳۰۰) مربع
 کیلومتره یعنی تقریباً به نصف و نفوس آن به
 (۶۱۳۰ ۲۰۰) رجوع کرد . که فی مربع
 کیلومتره ۳۶ نفر اصابت میکنند [۱] .

نفوس اوروپای عثمانی در سابق ؛ از ده میلون ؛
 متجاوز بود . قسم اعظم نفوس مذکور مسلم ؛
 و قسم دیگرش غیر مسلم است . مسلمانها عبارت از
 تركها و ارناوودهاست [۲] . غیر مسلم عبارت از
 بلغار ، روم ، ارمنی یهودی و اولاح است .
 عنصر مهم اوروپای عثمانی ؛ ارناوودهاست .

[۱] بعد از حرب بالقان ؛ تبدلانی در اوروپای
 عثمانی واقع شده .

[۲] ارناوود = (طار علینا ان نعود) یعنی
 طار است بر ما اگر باز بگردیم . در قبیله صرب
 که از هم خفه شده بودند یکی از آنها در اثنای
 کوچ کردن خود بقرار فوق گفته روان شد .
 و برور ایام لفظ مذکور « ارناوود » گردید .

۱۲۱

در وسط و در غرب شبه جزیره بالکان ؛ سکونت

میکنند . ترکها در همه ولایت ها میباشند .

رومها در ولایت های مجاور یونانستان ؛ زیاده تر

میباشند .

بلغارها تقریباً یک میلیون بوده در ولایت

آدرنه ، سلانیک و قوصوه ؛ سکونت دارند .

ارمنی ها در سواحل بحر مرمره در یکچند قصبه

و شهرهای بزرگ میباشند .

موسوی ها یعنی یهودی ها زیاده تر در شهرهای

تجارتگاه میباشند .

اولاح ها در ولایت سلانیک و ولایت

قوصوه ؛ متفرق میباشند .



احوال طبیعی

حدود اروپای عثمانی ؛ شمالاً بواسطه

بلغارستان ، صربستان ، آوستریا ، مجارستان

و قره داغ محدود است .

شرقاً : بحر سیاه میباشد [بحر مذکور در زمان

سابق ؛ بداخل اراضی دولت عثمانیه بود الحال

در جهت روم ایلی ؛ قدری از ساحلش به عثمانی

عائد است] .

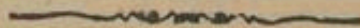
جنوباً : بوقاز استانبول ، بحر مرمره

بوقاز قلعه سلطانه و بحر آطه لر میباشد .

غرباً : بحر یونان و بحر ادریاتیک هست

و بواسطه بوقاز اوپراتان ؛ اروپای عثمانی به

ایتالیا ؛ همسایه شمرده میشود .



بحرهای اروپای عثمانی

اوروپای عثمانی : به بحر سیاه ، بحر صمره ،
بحر آطه لر ، بحر یونان و بحر ادریاتیک محاط
است . کافه این بحرها تجارتاً مهم اند .

کورفزهای اروپای عثمانی

مشهورترین کورفزها یعنی خلیج های اروپای
عثمانی اینها اند :

در بحر آطه لر میباشد . از کورفز سلانیک ؛ رفت و آمد مخلوق و غیره خیلی بسیار است .	}	ساروز
	}	قواله
	}	اورفانو
	}	سلانیک



۱۲۴

جزائر اوروپای عثمانی

مهمترین جزائر اوروپای عثمانی ؛ جزیره
کرید است . چرا که مفتاح تجارت بحر سفید
میباشد . مگر جزیره مذکوره از دست عثمانی
رفته است .

جزیره طاشوز و جزیره سمندیره از اراضی
روم ایلی شمرده میشوند . دیگر جزیره ها که
در بحر آطلر هستند به آسیای عثمانی ؛ تاند
اند .

جبال اوروپای عثمانی

جبال مشهوره اوروپای عثمانی بقرار آتیست :
(رودوب) ؛ در حدود ولایات ادرنه و سلانیک ؛
امتداد میکنند .

۱۲۵

جبال (تله نیک ویا ارناو و دستان) ؛ در ولایت
مناسرت امتداد کرده از یونانستان
میگذرد و در رأس ماتاپان ؛
منتهی میشود .

اولیپ ؛ در ولایت سلانیک در حدود یونان
میباشد .

انهار اوروپای عثمانی

مشهورترین انهار اوروپای عثمانی ؛ نهر مسیح
و نهر واردار بوده هر دوی آنها به بحر آطلر
میریزند . اراضی گذرگاه نهرهای مذکور خیلی
منبت و محصولدار است .



۱۲۶

۵۲

بحیره های اوروپای عثمانی

مشهورترین بحیره های اوروپای عثمانی :
بحیره اشقودره ، بحیره اوحزی و بحیره تاکینوس
است .

بحیره ترقوس اگرچه خرد است مگر آب آن
را بواسطه نلها به شهر استانبول آورده اند .

قسم سیاسی

مرکز اداره و مشهور شهرها . - اوروپای
عثمانی : علیحده يك مرکز اداره ندارد . شهر
(استانبول) برای كافة دولت علیه عثمانیه ؛ مرکز
اداره بوده در اوروپای عثمانی بساحل بحر مرمره
میباشد . شهر مذکور از شهرهای قدیمترین دنیاست

۱۲۷

میشود . نفوسش تقریباً (۱۰۵) میلیون است .

شهر های مشهور عثمانی :

(ادرنه) (سلانیک) (مناستر) (اشقودره)
(یانیه) (اسکوب) [اینها مرکز ولایت اند]
(دده اغاج) (کلیبولی) (قواله) (پره وزه)
[اینها در ساحل ، اسکله های مشهور یعنی بندر
گاهای مشهور اند]

ولایت ها :

در اوروپای عثمانی ۷ ولایت میباشد .

اینها اند :

(۱) استانبول ، (۲) ادرنه ، (۳)
سلانیک ، (۴) مناستر ، (۵) یانیه ، (۶)
اشقودره ، (۷) قوصوه .

ولایات (سلانیک ، مناستر ، یانیه) در

۱۲۸

حدود یونانستان میباشند .

ولایت (قوصوه) بواسطه حدود بلغارستان ،

صربستان ، آوستریا و مجارستان و قره داغ

محدود است . مرکز ولایت مذکور شهر

(اسکوب) است .

(استانبول) (سلانیک) (دده افاج) اسکله ها

یعنی بندر های کلان تجارت اند . به همین

لیمانها یعنی اسکله های مذکور ؛ خیلی بسیار ؛

سفائن رفت و آمد میکنند . در هر ۳ بندر های

آنها شمندوفر هست .

مطالعه

موقع دولت علیه عثمانیه در اوروپای عثمانی ؛

خیلی مهم است . در جوار آن خیلی دولت ها

۱۲۹

میباشد . دولتهای مذکور همین امل و امید را می
پرورند که به بحر آطمه لر ؛ صاحب شوند . چونکه
این دولتها اسکله های ادخالات و اخراجات در بحر
مذکور ندارند . ادخالات و اخراجات شان را
علیماهای (سلانیک) (دده افاج) و (قواله) ایفا
کرده میتوانند .

محصولات و ثروت . — قطعه روم ایلی به
درجه اناطولی (انادولی) منبت و محصولدار است .
« روم ایلی از جایهای خوبترین دنیا میباشد .

قرالیت بلغارستان

بلغارستان در جهت شرقیه شبه جزیره بالقان
بسا حل بحر سیاه ؛ واقع است . اول باول به
۳ قسم منقسم است :
۱ — بلغارستان شمالی ،

۱۳۰

۲ -- بلغارستان جنوبی و یاروم ایلی شرقی

بلغارستان شمالی ؛ مابین جبال بالقان و نهر

طونه ؛ محصور است .

بلغارستان جنوبی ؛ در جنوب جبال بالقان

بوده به ولایت ادرنه ؛ محدود میباشد .

بلغارستان در سابق به دست عثمانی ؛ یک امارت

بوده به تاریخ ۱۸۷۸ میلادی ؛ به موجب معاهده

برلین ؛ به زیر اداره یک پرنس داده شده بود .

از مساحت اداره عثمانی ؛ نتیجه همین شد که بلغارستان

اردوی خود را روز به روز تنظیم نموده خود را قوی

ساخت و منتظر یک فرصت بود . در همین انقلاب

گذشته عثمانی ، بلغارستان قرالیت خود را اعلان

کرد . و به تاریخ میلادی (۱۹۰۸) ؛ همه دولت‌ها

قرالیت او را تصدیق نمودند .

بلغارها در ظرف همین بیست سی سال خیلی

۱۳۱

سعی کردند به این درجه که تقریباً به درجه دول
اوروپا آثار ترقی و نشان داده اند .

علی الاکثر بسایه معارف و به همین حال ترقی
رسیدند .

• نفوس بلغارستان (۱۶۰۰۰۰) است .

• اردوی بلغارستان زیاده تراز ۲۰۰۰۰۰ است .

• بسایه میاهیکه به نهر طونه میریزند زراعت

بلغارستان و مترقیست . طرف جنوب جبال بالقان

نیز خیلی معمور است یعنی روم ایللی شرقی نیز و

زراعتاً ترقی کرده است .

• مرکز اداره بلغارستان و (صوفیه) است .

• مرکز قدیمش شهر (طرنووه) بود .

• (سلاستره) ، (روسجق) ، (وارنه) .

• (بورغاز) اسکله ها یعنی بندرهای مهم بلغارستان

• است .

۱۳۲

(فلبه) ، (پلونه) ، (اسلیمبه) ، (اورخانیه)

• مشهور شهر های بلغارستان است

در محاربه روس که به تاریخ (۱۲۹۳) شمسی

عثمانی واقع شده بود عثمانیان ؛ چون در پلونه یک

مدافعه بهادرانه و نامسبوق کرده اند لهذا قصه (پلونه)

• مشهور است

بلغارستان ؛ در اخراجات غله ؛ یک مملکت حائز

• شهرت است

قرالیت رومانیا

رومانیا در شمال بلغارستان بوده مابین جبال

قاریات و نهرهای طونه و پروت ؛ واقع میباشد

حدود رومانیارا از جانب بلغارستان ؛ نهر

طونه تشکیل داده است به سایه میاهیکه به نهر

۱۳۳

مذکور میریزند زراعت روما نیا ؛ متری میباشد .
رومانیا (۶ میایون) نفوس دارد . مرکز
اداره اش شهر « بکرش » است . شهر های
(قلفات) ، (اولتا نیجه) ، (یاش) بلده های
مشهور رومانیا میباشند . شهر (کوستنجه)
که در ساحل بحر سیاه است یک بندر فعالترین
رومانیا میباشد .

این مملکت هم ؛ به اخراجات غله اش
معروف است . رومانیا نیز در سابق از عثمانی
بوده !!

قرالیت صربستان

قرالیت مذکور در وسط شمالی شبه جزیره
بالقان ؛ واقع است نفوسش (۲ ۷۸۴ ۰۰۰)
میباشد .

۱۳۴

از جهت شمال بواسطه نهر (صاوا) که به
نهر طونه میریزد و بواسطه نهر طونه از آوستریا
و مجارستان ؛ تفریق میشود .

حکومتیکه در خصوص معارف ، صنایع و
زراعت ؛ پس مانده است همین صربستان است .
یک حکومت عسکری گفته میشود .

مرکز اداره اش شهر (بلغراد) به ساحل
نهر طونه میباشد . در سابق ؛ دولت عثمانیه
به سمت او رویا وقتیکه اردوها اعزام میکرد همین
شهر بلغراد برای اردوهای مذکور ؛ مرکز
حرکات بود .

صربسان نیز ؛ یک ایالت عثمانی بود ؛
به تاریخ ۱۸۷۸ کسب استقلال کرد .

بلاد مشهوره صربستان ؛ عبارت از شهر
(پساوویچه) و شهر (نیش) است .

۱۳۵

پرنسی قره طاغ

در غرب شبه جزیره بالقان به ساحل بحر
ادر یاتیق ؛ يك حكومت بسیار كوچك و كو هبند
بوده نفوسش (۲۵۰۰۰۰) میباشد .
قره طاغی ها قوی البدن اند ؛ یزیر اداره
يك پرنس میباشد . مركز اداره قره طاغ ؛ شهر
« جتینه » است . (۴۳۰۰) نفوس دارد .
قره طاغ ؛ در ساحل بحر ادر یاتیق ؛ دوا سكله
ریزه یعنی دو بندر خرد دارد یکی (اولگون)
و دیگر (بار) نام دارد .

قرالیت یونان

در جنوب شبه جزیره بالقان ؛ يك حكومت
ریزه بوده عبارت از قطعه (موره) و (تسالیا)

۱۳۶

جزایر یک در بحریونان و نیز جزائر (سیقلاد) که
در بحر مجمع الجزائر است میباشند . حکومت مذکوره
را « قرالیت یونانستان » مینامند .

اراضی قطعه مذکور کوهبند است . و
ساحلش از رأسها و کور فزهای خرد و ریزه
پیشمار ؛ پر است .

در زمان قدیم ، این قطعه نیز از عثمانی بود ،
چنان ؛ استقلال پیدا کرد .

در زراعت و صنایع ؛ اگرچه بسیار ، ترقی
نیست مگر در تجارت ؛ ترقی کرده است . در
عالم تجارت بحر سفید ؛ حائز یک موقع
مهم است .

نفوس یونانستان عبارت از :
(۲۰۶۳۰۰۰۰۰) است مرکز اداره اش شهر (آتینه)
است . شهر مذکور یک شهر قدیمترین دنیاست .
یونانی های قدیم در خصوص علوم و فنون

۱۳۷

- و تجارت خدمت‌های خیلی بزرگ کرده اند .
- پیره ؛ اسکله یعنی بندر شهر آتینه است .
- (یگیشهر) (ترحاله) (غلوص) (قوره نت)
- شهرهای مشهور یونانستان است .
- در جزائر یونان و خصوصاً در جزیره شیره ؛
- هر نوع سبزه و ات میرسد . لیمون شیرین
- و پورتقال آن ؛ مبدول است .
- بسیار زور که بزند يك اردوی (۱۸۰۰۰۰)
- قوره کشیده میتواند .

قرالیت ایتالیا

از جمله حکومت‌های جنوب اروپا بوده از
شبه جزیره ایتالیا و جزیره های بزرگ سرجلیا و
ساردنیا و بعض جزیره های ریزه ؛ تشکیل می
یابد .

۱۳۸

• نفوس ایتالیا (۳۳,۹۰۹,۰۰۰) است •
دولت ایتالیا عبارت از یکی از ۶ دولت معظمه
میباشد •

اراضی ایتالیا، خیلی از دحامدار و خیلی
محصولدار است • خصوصاً در ایتالیای شمالی
وادی (پو) بواسطه قوه انباتیه اش
معروف است •

• مرکز اداره ایتالیا شهر (روما) است •
شهر مذکور از جمله شهرهای خیلی قدیم بوده
در ساحل نهر تی بر میباشد • پایاها در شهر
مذکور اقامت میکنند •

شهر مذکور در زمان امپراطوری رومای
قدیم نیز مرکز اداره بود • شهر روما بواسطه
خرابه های خیلی قدیم و مبانی لطیفه خود
مشهور است •

بلاد مشهوره ایتالیا بقرار آتیست :

نابولی ؛ در قرب کوه آتشفشان (وه زوو)

بوده زیاده تر از نیم میلیون نفوس

دارد . شهر ازدحام دار ترین

ایتالیا همین نابولی است .

پالرمو ؛ مرکز سجزلیا و بندر مشهورش

است .

تورن ؛ به ساحل نهر پو میباشد .

میلان ، در وادی نهر پو ؛ يك شهر

معروف است .

شهر ولجانهای مشهور اند .	}	فلورانس ،
		جنوه ،
		ونه ديك ،
		مسینا ،
		لی وورنا .

شهر جنوه در ساحل کورفز جنوه و ونه ديك

در ساحل کورفز ونه ديك میباشد .

جزیره البه مشهور است . چرا که نابولیون

۱۴۰

به تاریخ ۱۸۱۴ در آنجا نفی شده بود .
ایتالیا ، برنج ، شراب ، حریر یعنی ابریشم
حاصل میکند . بنا بسبب موقعش در تجارت
بحریه ، یک موقع خیلی مهم ، اشغال میدارد .
مستملکات ایتالیا : — در ساحل افریقاوی
بحر احمر و نیز در ساحل بحر محیط هندی ؛ به
بعض نقاط مهمه ؛ حاکم است .

قرالیت اسپانیا

قرالیت اسپانیا از جمله حکومتات جنوب اروپا
بوده قسم اعظم شبه جزیره ایبه ریک را اشغال
کرده است . شبه جزیره مذکور بواسطه جبالیکه
از سطح بحر ؛ ۲۰۰۰ متره مرتفع اند مستور
میشد .

قوم قرالیت اسپانیا (۱۹۰۷۱۲۰۰۰۰)

۱۴۱

• است

• مرکز اداره آن ؛ شهر (مادرید) است •

بلاد مشهوره اسپانیا :

شهر (بارسلونا) ؛ در ساحل بحر سفید بوده

• مرکز نخستین تجارت اسپانیا میباشد •

و شهر (مالاگا) ؛ نیز در ساحل بحر سفید بوده

• به شراب خود مشهور است •

شهر (والانسیا) ؛ به ساحل نهر وادی الکبیر

• است

شهر (سه ویل) و نیز (قادیقس) که در ساحل

بحر محیط اطلاسی بوده لیکن حرب میباشد و

شهر مشهور (غرناطه) که صربها برای اسپانیولها

ترك کرده اند بلاد معروفه و مشهوره اسپانیا

• میباشد •

مملکت مذکور یعنی اسپانیا در زمانیکه بزیر

اداره صربها بود در خصوص معارف و صنایع و

۱۴۲

تجارت خیلی مشهور بود . بدین درجه که اوروپا
اولاد خود را برای تحصیل به اسپانیا می فرستادند .
خرابه های سرای یعنی جای حکومتی و نیز خرابه
های جوامع که از آن وقت مانده است الحال
حیرت افزای ناظرین میباشد .

جزائر مجتمعه (باله آر) که از جزائر (مایورقه) ،
(مینورقه) و دیگر جزائر صغیره مرکب است و نیز
جزائر (قاناریه) که در بحر محیط اطلسی است
از اسپانیا میباشد .

در اسپانیا معادن بسیار است . معدنهای مس
سیماب و سرب زیاده تر میباشد .

مملکت مذکوره نظر به ثروت طبیعی اش هم
فقیر و هم اندک مسکون است .

۱۴۳

مستملکات اسپانیا

اسپانیا در تاریخ قدیم ؛ صاحب خیلی
اراضی بود . مگر بسان یک یک از دستش رفت .
آخر الامر جزیره کوبا که مهترین جزائر آنتیل
است و نیز جزائر فیلیپین که در قطعه آسیا
است بالمجبوریه به امریقا داده . که همین
ضایعاتش قریب ده میلیون نفوس میباشد .
در افریقا بعض جزیره ها هنوز زیر اداره
اسپانیا است . جمهوریت (آندور) که در جبال
پیره نه است زیر حمایه اسپانیا و فرانسه میباشد .
شهر (جبل الطارق) که بر بوفاز جبل الطارق [۱]
حاکم است مستحکمترین مواقع دنیا بوده زیر
اداره انگلتره میباشد .

[۱] بوفاز جبل الطارق را بوفاز سبته نیز گویند .

۱۴۴

قرالیت پورتکیز ویا پورتوگال

حکومت پورتکیز در ضرب شبه جزیره ایبه ریک
پساحل بحر محیط اطلسی ؛ واقع است . اگرچه
یک حکومت ریزه میباشد . مگر در قطعات
سائره ؛ اراضی مهمه دارد .

نفوسیکه پورتکیز در او رویا دارد (۵۰۴۲۳۰۰۰۰)
میباشد . مرکز اداره اش شهر « لیزبون » است .
شهر مذکور در منصب نهر (تاز ویا تاج) بوده
یک اسکله فعالترین بحر محیط اطلسی میباشد .
بلاد مشهوره پورتکیز بقرار آتست :

« پورتو » ؛ بر ساحل نهر « دورو » بوده
یه تجارت شراب مشهور است . جزائر « آصور »
و « ماده ر » که در بحر محیط اطلسی بوده به
ساحل افریقا ؛ مقابل میباشدند دو ولایت پورتکیزوا